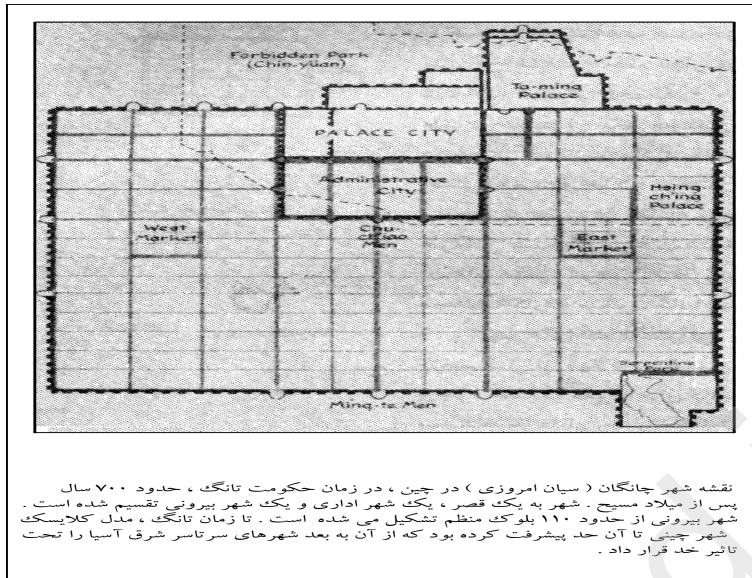




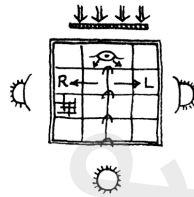
بخش اول

➤ ارزشها و شهرها

- ایجاد تغییر در مجتمع های زیستی با تمام پیچیدگی های آن یک عمل انسانی بوده و در رابطه با انگیزه های انسانی، هر چند مبهم و نامشخص، صورت می گیرد.
- جهش مستقل و نسبتاً ناگهانی به سوی تمدن، شش یا هفت بار در طول تاریخ به وقوع پیوسته است. (در سومر و شاید به طور مستقل در مصر، در دره ی اندلس، در شانگ چین، در آمریکای مرکزی و شاید مستقلاً در پرو و احتمالاً در مناطق معینی از آسیای جنوب شرقی و یا آفریقا که هنوز به طور کامل مطالعه نشده است). این جهش همیشه همراه با ظهور شهرهایی بوده است که عبارت بود از مجتمع های بزرگ و نسبتاً مترامی از افراد ناهمگنی که منطقه ی روستایی وسیعی را در اطراف خود سازمان می بخشیدند.
- شهرهای اولیه پس از یک انقلاب کشاورزی که طی آن نباتات و حیوانات اهلی شده و کشاورزان به تشکیل مجتمع های زیستی کوچک و دائمی پرداختند، پدیدار گردید هر چند این یک شرط لازم برای ظهور شهرها بود و نه کافی.
- آن طور که از شواهد تاریخی استنباط می گردد جنگ، تجارت و امور عمومی زائیده و محصول جامعه شهری می باشند تا علت آن.
- از جمله عوامل تمدن می توان به شهر، خط و جنگ اشاره نمود.
- در شهرهای باستان، غالباً هنگامی که مکان و مذهب بر یکدیگر منطبق می شدند، یک ساختار شهری پدید می آمد. در حقیقت محیط کالبدی پایه مادی افکار و عقاید مذهبی بوده است.
- از جمله مهمترین مراکز شهری در تمدن آمریکای مرکزی می توان به مرکز اولیه "اولمک" در لاونتا، مونته آلبان، "تولا" و شهرهای "مایان" و "اتینو چیتلان" (که اینک مرکز نیومکزیکو است) اشاره نمود. قدیمی ترین شهر این تمدن "اولمک" و بزرگترین مرکز شهری آمریکای مرکزی "تئوتیهواکان" در شمال شرقی مکزیکوسیتی بوده است. این شهر مرکز بزرگ تجارتي و مذهبی زمان خود بشمار می آید.
- در تمدن چین و در ساخت اولین پایتخت "شانگ چاینا" جان انسانهای بسیاری قربانی شده است. در حقیقت نگرانی و گناه با ساخت شهر همراه بوده است.
- "چانگان" ("سیان امروزی") مرکز "هان و تانگ" همچون یک پادگان نظامی مذهبی اداره می شد. در داخل حصارها شهر از ۱۶۰ بخش تشکیل می شد. هر بخش دیوار و دروازه ی مخصوص به خود را داشته است.

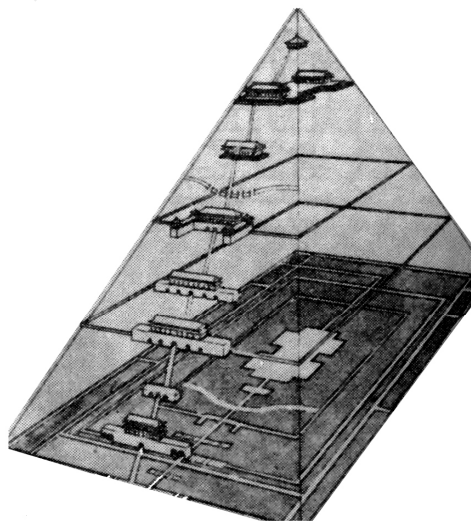


در تصویر مقابل، شماتیکی از فکر شهر آرمانی چین نمایش داده شده است.



شهری که باید مربع باشد، منظم باشد، جهت دار باشد، و برمحصور بودن و حفاظ داشتن، داشتن دروازه، معابر و راه های دسترسی، معنی جهت ها و دوگانگی راست و چپ تاکید کند. در چنین شهرهایی مکان و مذهب با یکدیگر تطبیق داده می شدند در چین به هم بافتگی تفکر و محل حتی در زمان معاصر نیز مشهود است.

- شهرهای چینی از تعدادی جعبه در درون جعبه های دیگر تشکیل شده است:



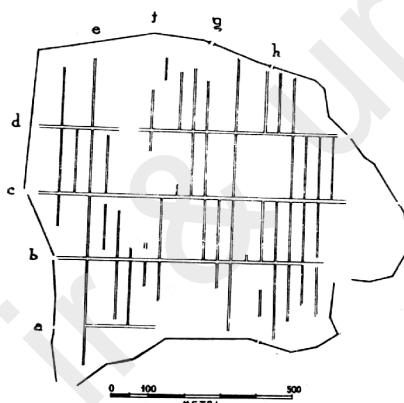
تصویر با هیبت ورودی رسمی به تالار سلطنتی در پکن. زائرین باید از حیاطی به حیاط دیگر و از دروازه ای به دروازه دیگر عبور کنند.

• شهرهای مستعمراتی در جهان غالباً به ۲ صورت دیده می شود:

الف: دسته ی اول مستعمرات در آن ها آنچنان پراکنده اند و یا آن قدر بدوی اند که استعمارگران فایده ای در آنها نمی بینند. وبه این ترتیب بومیان به حال خود گذاشته می شود و یا اینکه از آنجا بیرون رانده می شوند. مراکز شهری جدید نیز به این خاطر ایجاد می شوند که یا منابع را تحت کنترل در آورند و یا این که از تمرکز زیاد جمعیت در شهر بکاهند. شهرهای مستعمراتی یونانی که در طول قرون ۴ و ۵ قبل از میلاد با الگوی " پراستریگاس " (ردیفی ، یا شیاری) پدید آمده اند نیز از این دسته اند.



در این میان گفتنی است پادگان های نظامی و بسیاری از شهرهای قرن ۱۹ آمریکای شمالی نیز از این الگو (پراستریگاس) پیروی کرده اند. در این الگو تنها فرم شطرنجی مهم بوده و توجهی به ساختار زمین ، کاربری ها و ... نمی شود.



ب: دسته ی دوم شهرهای مستعمراتی به وسیله ی قدرت خارجی در داخل یک منطقه ی کاملاً پر جمعیت ساخته می شود. در این مورد جمعیت محلی ، خود بخشی از منابعی است که مورد استثمار قرار خواهد گرفت. در این بین مفید بودن و نیز تهدید آنها باید کنترل و با تضاد و تناقضات فرهنگی حاصل باید مقابله شود. مانند شهرهای مجزایی که اسپانیایی ها برای بومی های آمریکای مرکزی ایجاد نمودند.

• قوانین هند و چین مقرر می داشت که در طی ساخت شهر، بومی ها اجازه ی ورود به آن را نداشته باشند. و تنها هنگامی می توانستند وارد شهر شوند که شهر تکمیل شده و با حالت با شکوهی خود بومیان را ترسانده و وادار به تسلیم می نمود.

• مجتمع های زیستی دو گانه (با شکل معروف دو قطبی) در اوایل تاریخ مستعمراتی به وجود آمد. شهر پکن و دهلی نمونه های برجسته ای از این دسته شهرها می باشند. انگلیسی ها نمونه های متعددی از این مستعمرات تسلط گرایانه با هدف اعمال کنترل بر دیگران ساختند. این مراکز با استفاده از تدابیر ویژه ای نظیر تفکیک حدود فضایی ، دروازه ، موانع ، دیدهای باز و میدان های آتش (که حدود کنترل را وسعت می دهند) ، ترتیب ، تمیزی ، ارتفاع و اندازه به عنوان بیان قدرت، تنظیم الگوهای فضایی و... منطقه جدید شهر را از شهر شلوغ و قدیمی بومی ها متمایز می نمودند.

• خصوصیات مشابهی را با همان انگیزه ها می توان برای استعمارگری داخلی (وقتی گروهی کاملاً محدود و مشخص به استثمار و کنترل گروه دیگری می پردازند) مشاهده کرد. مانند شهر "ژوها نسبورگ" در آفریقای جنوبی و یا شهرهای واقع در امتداد مرزین مکزیک و آمریکا.

• کار بازسازی شهرهای سرمایه داری کنونی (نظیر پاریس ، لندن ، تهران و...) به مراتب دشوارتر از باز سازی شهرهای مستعمراتی و شهرهای مستعمراتی نیز دشوارتر از شهرهای آسیب دیده از بلایای طبیعی و غیر طبیعی (جنگ و...) می باشد .

• دوره پس از انقلاب آمریکا برای شهر بوستون دوره رشد آن بوده است. بستن در این زمان یک شهر تجاری بود اما بعدها به شهر صنعتی مبدل گردید. دو گروه تحول و تغییر شکل شهر تجارتی بوستون را سبب شدند. یکی تجار، که در مرکز شبکه ی تولید ، توزیع و اعتبار قرار داشته و نیازمند سرزمین جدیدی برای اقتصاد جدید بودند و دیگری سرمایه گذاران در زمین ، ساختمان و حمل و نقل که در صد بهره برداری از چنین تحولی بودند.

➤ شکل شهر چیست و چگونه ساخته می شود ؟

• سه شاخه ی تئوری سعی در توصیف شهر به عنوان یک پدیده فضایی دارد.

۱- تئوری برنامه ریزی (تصمیم گیری) : که بیان می کند ، تصمیمات عمومی و پیچیده توسعه شهری چگونه اتخاذ می شود یا چگونه باید اتخاذ شود. و نقش عوامل اقتصادی و سیاسی را لحاظ می نماید. این تئوری بر خلاف دو تئوری دیگر به اهمیت فرایند تصمیم گیری محیطی ، چه آن چه هست و چه آنچه باید باشد ، ارتباط دارد.

۲- تئوری عملکردی : به طور خاص تئوری بر روی شهر تکیه دارد. زیرا سعی دارد بیان کند که چرا شهرها هر یک شکل خاصی به خود می گیرند و عملکرد چنین شکل هایی چیست ؟ این تئوری یک تئوری استعاره ای است. به عنوان مثال عنوان می نماید که تداوم تاریخی ، کارایی در تولید و بهره وری یا مبارزات سیاسی و... شهر را ساخته اند. اما در میان تمامی این عوامل تنها بحث تاریخی است که به شکل شهر اهمیت می دهد.

۳- تئوری هنجاری : این دسته از تئوری ها با روابط تصمیم پذیر بین ارزشهای انسانی و شکل مجتمع های زیستی و این که چگونه می توان یک شهر خوب را شناخت سروکار دارد (کار اصلی لینچ در کتاب حاضر) . تمام تئوری های عملکردی دارای مفروضات ارزشی هستند - که اغلب نیز پنهانی و ضمنی است. و همین طور تمام تئوری های هنجاری نیز دارای مفروضاتی در مورد ساختار و عملکرد هستند . حالت ایده آل زمانی ایجاد می شود که این ۳ تئوری به یکدیگر رسیده باشند.

• برای اینکه بتوان روی یک کیفیت شهری نظر داد می بایستی به ۳ نکته توجه گردد.

الف : باید دید که آیا کیفیت مورد بحث می تواند در فرهنگ تاثیر گذار باشد یا خیر.

ب : آیا مردم کیفیت مزبور را در برخورد های روزمره خود قبول دارند یا خیر.

پ : این کیفیت چه رابطه ای بین مردم و محیط زندگی آنها ایجاد نموده است.

➤ ارزش گذاری در اهداف

• کلیه اهداف مورد بحث در شهر را می توان در یکی از ۵ قالب زیر دسته بندی نمود:

۱- ارزشهای نیرومند : منظور از این ارزشها، هدف های مربوط به سیاست شکل شهر است که به طور مکرر و صحیح بیان شده ، حصول آنها قابل تشخیص است و وابستگی مستقیم و قابل ملاحظه ای با شکل شهرداری و می توان در عمل به آن



رسید و یا در غیر این صورت دلایل عدم موفقیت در رسیدن به آنها را شناخت. مانند: تامین دفاع، حفظ قیمت املاک، رفع نیاز به خدمات و...

۲- ارزشهای آرمانی: همچون اهداف دسته ی قبلی است با این تفاوت که حصول آنها تا کنون به ندرت اتفاق افتاده است. این عدم موفقیت ممکن است ناشی از مشکل شکل گرفتن شهر بر اساس هدفهای فوق بود و یا شاید هدف ها تنها پوششی ظاهری بوده و هرگز بطور جدی دنبال نشده است. مانند: تامین عدالت، کاهش مهاجرت، صرفه جویی در موارد و منابع انرژی و...

۳- ارزشهای ضعیف: ارتباط این دسته از اهداف با شکل شهر یا وجود ندارد یا اثبات نشده است. مانند: تامین سلامت روح، افزایش ثبات اجتماعی، افزایش قابلیت انعطاف برای آینده و...

۴- ارزشهای پنهانی: با آنکه به اندازه ی ارزشهای گروه اول مهمند اما کمتر از آنها به عنوان هدف یاد می شود. این ارزشها اغلب محرک های اصلی سیاست ها بوده ولی از نظر مردم با پرده ی ظریفی از هدفهای ضعیف و رؤیایی پوشیده شده است: مانند: اشاعه ی فرهنگ " پیشرفته "، کسب سود، تسهیل فرآیند برنامه ریزی یا مدیریت و...

۵- ارزشهای فراموش شده: ارزشهای بالقوه ای که امروزه به طور کلی فراموش شده اند. این امر یا به این دلیل بوده که بعضی از هدف ها با اهمیت تلقی نشده و یا اینکه ارتباط آنها با شکل شهر، مشکوک، غیر عملی و مبهم به نظر می رسد. نظیر نیروی سحر آمیز الگوهای شهری، کیفیت تجربه ی نمادین و احساس شهرها، تطبیق محیط زیست با زیست شناسی و...

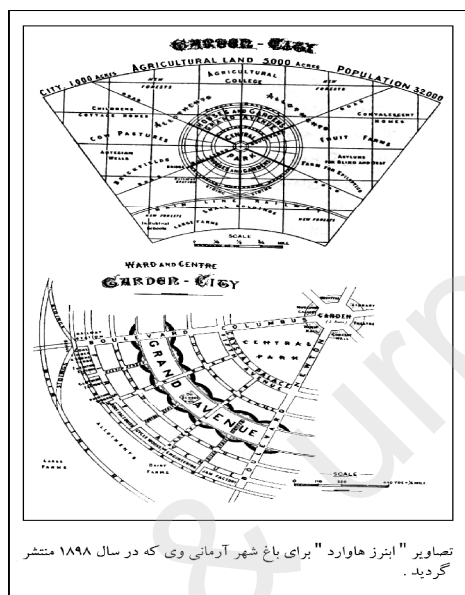
♦ در خصوص تبیین نظریات آرمانی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف: خیال پردازان اجتماعی

- اکثریت عظیمی از نویسندگان خیال پرداز، حداقل آنهاپی که پیرو سنت کلاسیک هستند، توجه فوق العاده کمی به محیط فضایی داشته و علاقه اصلی خود را معطوف به روابط اجتماعی گردانده اند.
- " چارلز فوریه " سکونتگاهی به نام فلاستری را به عنوان هسته مادی نظریه خیال پردازانه خویش پیشنهاد می کند. بهشتی که بر پایه ی کار بر روی آنچه او آن را شور طبیعی انسان می نامد بنا شده است. فلاستری ساختمانی چند طبقه و بزرگ بود که کلیه فعالیت های مستعمره را در یک نقطه ی غنی کشاورزی در خود جای می داد. این بنا به یک قصرعظیم و با شکوه شباهت داشت. نگهداری از این عواملی نظیر راحتی، دسترسی آسان و هویت عزور آفرین برای همه تاکید داشت. روی بنا نیز به عهده " گروه های کوچکی " از کودکان بود. در این طرح (همچون بسیاری از پیشنهاد های خیال پردازانه پیش از این) محیط تنها به عنوان یک بستر در نظر گرفته شده است. حال خواه یک زمینه مطبوع باشد و بایک بیان نمادی از کمال جامعه جدید.

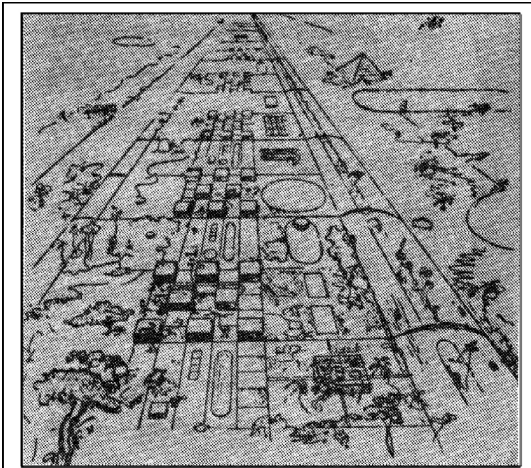
- در اواخر قرن ۱۹ می توان نوشته های خیال پردازانی را دید که در آن محیط به عنوان عامل اصلی مورد توجه قرار می گیرد، نظیر تازه هایی از هیچ کجا، از " ویلیام موریس "، باغ شهرهای فردا از " ابنزرها وارد " و در قرن حاضر نیز طرح هایی چون برودایکر از " فرانک لوید رایت ". در این بین نظریه موریس مثال نادری است از یک سیستم کالبدی و یک سیستم اجتماعی که در یکدیگر ادغام شده باشد. همچنین در این بین تنها در کار موریس است که می توان کیفیت تمامی منظر را به صورت روشن و کامل حس نمود. با این حال موریس مانند هاوارد و رایت چیزی را پیشنهاد می کند که از بسیاری جهات بازگشت به گذشته است. یعنی مدنظر قراردادن جوامعی کوچک، متعادل و نظام یافته که اعضاء آن در ارتباط

مستقیمی با محیط طبیعی و بایکدیگر قرار دارند. شهر اندازه کوچکتری پیدا می کند، کنترل اراضی در دست افراد و گروه های کوچک قرار می گیرد و جامعه محلی خود کفایی نسبی می یابد. این پیشنهادات از استعاره " اورگانیک " تبعیت کرده و در آن نظام سلولی ، تنوع متعادل ، بهداشت خود، ثبات ، وابستگی متقابل و رجعت به دنیای طبیعی مورد تاکید قرار می گیرد. در این طرح ها حتی ساختمان ها از نظر سبک سنتی می باشند. طرح شهربرودایگر نیز نسبتا عادی به نظر می رسد. ساختمانهای طرح هر یک به طور انفرادی زیبا بوده و " اتومبیل های هوایی " آن نیز فانتزی های مطبوعی هستند. ولی مجتمع زیستی حاصل ، تنها نوع ساده ای است از حومه ی باز شهری .



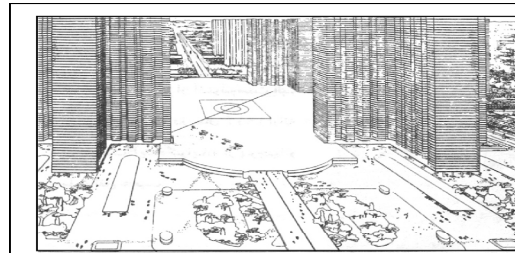
ب : طراحان آینده گرا

- در حالی که اغلب این خیال پردازان اجتماعی (به جز رایت) به دنبال یک زمینه ی کاربردی مناسب برای یک جامعه اشتراکی می گشتند (و حتی رایت علیه زیاده طلبی خصوصی نیز شوریده است) ، دسته ای از طراحان آینده گرا خط فکری متفاوتی را دنبال کرده اند . این گروه، به جای توجه به جنبه های اجتماعی ، هم خود را عمدتا صرف توجه به محیط کالبدی نموده و به شدت تحت تاثیر تکنیک های جدیدی قرار گرفته بودند که می توانست برای این منظور استفاده شود.
- گرچه باید " لئوناردو " را به عنوان پیش تاز این گروه دانست ، لکن اکثر این آینده گرایان در قرن ۲۰ ظاهر شدند. طرح های کالبدی این گروه تنها به منزله ی اثر هنری است، بدون هیچگونه بحث و یا هیچگونه اعتنایی به ساخت اجتماعی آن . طرح هایی که " هنارد " در سال ۱۹۱۱ برای دایره های ترافیک، تفکیک سطوح و شهرهای زیرزمینی ارائه داد محصولات اولیه این طرز تفکر به شمار می روند. همچنین است طرح " تونی گارنیه " برای یک شهر صنعتی و یا شهر شعاعی " لوکوربوزیه " . همچنین در این رابطه " ان - ا - میلیوتین " نیز یک شهر خطی طرح می کند که شبیه خط تولید است



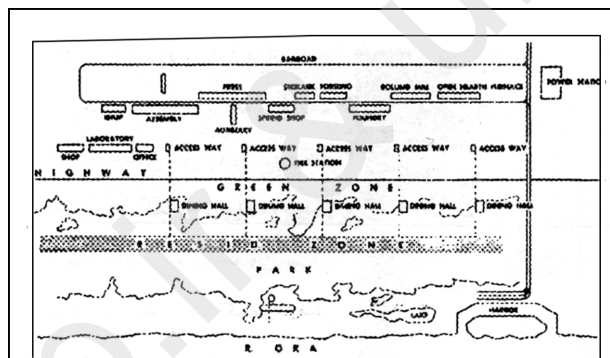
طرح از دید پرنده که برای سکونتگاه مگنیوگورسک در اتحاد جماهیر شوروی به منظور شرکت در مسابقه ای در ۱۹۳۰ توسط "ایوان لئونیدوف" تهیه شده است. بلوک هایی با خانه های دو طبقه از این شهر خطی به صورت دسته های چهارتایی در اطراف حیاط مشترک کوچک قرار گرفته و بقیه قسمتها را پارک و بناهای عمومی به صورت یک در میان مانند صفحه شطرنج در برمیگیرد.

ب



نقشه و نمایی از پروژه ۱۹۲۲ لوکوربوزیه برای یک شهر معاصر سه میلیون نفری. آسمان خراشهای اداری در مرکز و فرودگاهی در بین آنها و در زیر آن ایستگاه راه آهن قرار دارد. طبقه ثروتمند در بلندترین و مرکزی ترین واحد زندگی میکنند. می دورتر بلوک های مسکونی خطی ۴ یا ۶ طبقه دوبلکس، ولی باغ شهر برای کارگران صنعتی در خارج از کمربند سبز قرار می گیرد. شهر تبلوری از نظم روشن، ایستا و مرکزی است.

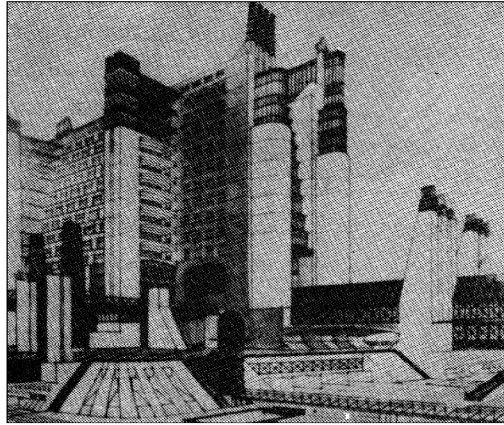
الف



تصویری از یک شهر خطی توسط "ان-ا-میلیوتین" در ۱۹۳۰. در این بسترآزمایی برای یک جامعه سوسیالیستی کلیه عناصر شهری به موازات یکدیگر همانند یک مجموعه هماهنگ خطوط تولید قرار گرفته اند.

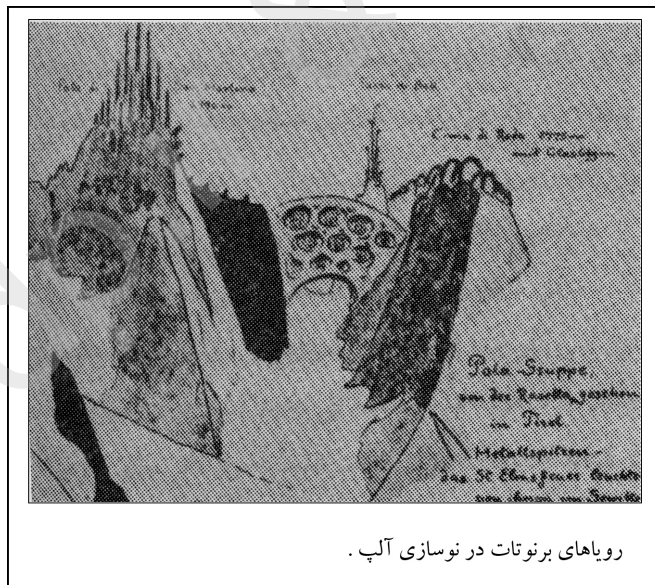
ج

- "آنتونیوسنت الیا" نیز پیش از مرگش در جنگ جهانی اول تصاویر بسیار زیبایی از شهر آینده ارائه می دهد. طرح های وی پر است از سرعت، ارتباط، قدرت و تحول. وی می نویسد "ما باید شهر مدرن را مانند یک کارخانه کشتی سازی بزرگی که در هم و برهم و مغشوش است با نوآوری باز سازی کنیم. شهری بسازیم که سرتا سر آن فعال و پویا باشد. آسانسورها از آهن و شیشه خود را از نمای ساختمان بالا بکشند. خیابانها نباید مثل پادری دم در دروغ بگویند، بلکه باید چند طبقه در زیر خاک فرو رفته و به نرده های فلزی و تسمه های انتقال سریع مرتبط شوند. از مشخصات اساسی معماری آینده گرا دائمی نبودن و گذرا بودن آن است. اشیاء عمری کوتاه تر از انسان ها داشته و هر نسل باید شهر خود را بسازد."



طرحی تخیلی از "آتونیوسنت الیا" برای شهر جدید که در سال ۱۹۱۴ ارائه شد .
تخیلات آینده گرایانه از برجها و حمل و نقل عجیب .

- " پال شی یربارت " نیز دنیای شگفت انگیز جدیدی را به تصور در می آورد. دنیایی معلق در هوا ، شفاف ، پیچیده و متحرک . وی معتقد است که " می توانیم با کمالی جدید از معماری شناور صحبت کنیم ... ساختمان ها را می توان کنار هم گذاشت و یا از هم جدا کرد ... هر شهر شناور ممکن است در هر روز شکل متفاوتی بخود بگیرد."
- " برانوات " در کتاب معماری آلپ که درست بعد از تخریب هولناک جنگ جهانی اول نوشته شده پیشنهاد می کند که انسانها باید تمام نیروی خود را صرف بازسازی زمین کرده و آن را یک منظر مصنوعی با شکوه تبدیل نمایند. کوه های آلپ و اندس را تراشیده تا مجمع الجزایر اقیانوس آرام را تغییر شکل دهند. و ...

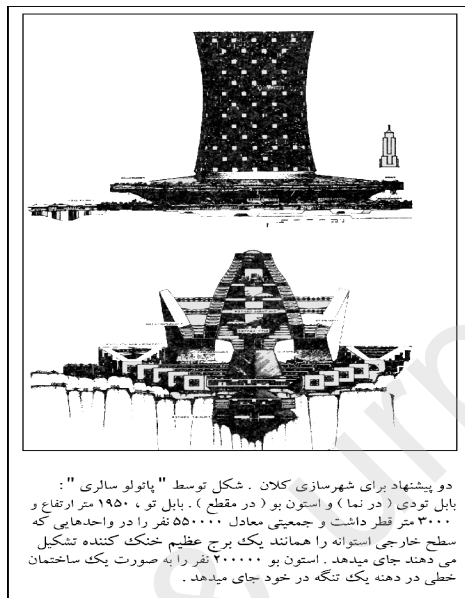


رویاهاى برنوات در نوسازى آلپ .

- " پائولوسالری " طی یک سلسله طرح های جالب ، شهرهایی را برای مناطق بکر طبیعی پیشنهاد می کند. این شهرها به طور اعجاب انگیزی پیچیده وبهم فشرده طراحی شده است. این مجتمع بزرگ و کالبد مدرن آن اورگانیزم منسجم و فوق العاده ای را بوجود آورده که جانشین فرد به عنوان یک موجود زنده و متشکل می شود. در انگلستان نیز گروه " آرچیگرام " طرح

های پیچیده مشابهی را ارائه می دهد؛ به این ترتیب که ماشین به صورت موجود زنده ای درآمد و کل محیط متحرک و قابل تجزیه می شود.

• در تمامی این طرح های عوامل نظیر قابلیت تطبیق و جنبه های تکنیکی دسترسی در نظر گرفته شده و تجلی مخصوص عملکرد، اساس کار قرار گرفته است. اما در هیچ یک به عواقب وخیم اجتماعی و نیز تاثیرات منفی اکولوژیکی آنها توجه نشده است.



• طرح های "آلدوراسی" نمونه های جدیدی از اینگونه توجه به شکل است. برای وی، معماری رشته مستقل، ابدی و خارج از زمان است که به خلق گونه هایی از شکل می پردازد. این شکل ها همانند عقاید افلاطون، وجودی مستقل دارند. به نظر وی شهر ساختی است دائمی که وقتی توسعه و تحول در آن رخ دهد از طریق بناهای تاریخی گذشته خود را به یاد آور و آن را باز می شناسد. معماری از عملکرد جداست. معماری خاطره ای جمعی بوده و فعالیتی خاص و پیچیده است. ساخت کالبدی از ساخت اجتماعی جداست. انسان و محیط نیز عناصر کاملاً جداگانه ای بوده و اگر رابطه ای هم بین آنها وجود داشته باشد، رابطه ای مکانیکی، علمی و یکطرفه می باشد.

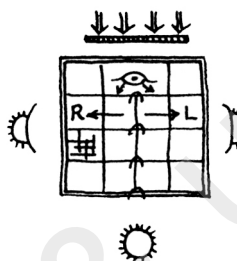
• "پال گودمن" و "پرسیوال گودمن" در کتاب کامیونیتاس سه جامعه خیالی تصور کرده و سپس محیط زیست متناسبی را برای هر یک خلق می کنند که یکی جامعه ای است با اضافه تولید، مصرف فوق العاده و نوسانات متناوب. دیگری دارای آزادی و امنیت بیولوژیکی است که از طریق اقتصاد دو گانه که امکان انتخاب را بین ثروت و کار زیاد از یک طرف و خوش گذرانی و تنازع بقاء از طرف دیگر فراهم می سازد، تامین می نماید. و سوم بر پایه جوامع کوچک و خودکفا که تولید و مصرف در آنها ثابت است، قرار دارد. گرچه دو نمونه ی اول تا حدودی طنزآمیز می باشد ولی هر کدام دارای ساختار فضایی تازه ای است که هدفهای اجتماعی آنها را تقویت می کند. نمونه ی آخر (که احتمالاً مطلوب ترین آنها می باشد) همان چیزی است که به نام "استعاره اورگانیک" معروف است. مجتمع جدید عبارتست از شهر تپه ای کوچک، بادید افسانه ای با پیاتزا و زندگی عمومی آن.

• الگوهای ارائه شده توسط " کریستوفر الکساندر " نیز روی فرآیند تصمیم گیری محیطی متمرکز هستند . با وجود این قسمت هایی از دید تحلیلی وی عمدتاً به شکل فضایی ارتباط پیدا می کند. اما برخلاف دیگران ، هر پیشنهادی به آثار و نتایج انسانی آن ربط داده می شود و بخش عمده ی تاکید وی بر انواع پیچیده دسترسی می باشد.

♦ دو شق از پیشرفته ترین تئوری های مربوط به جهان هستی متعلق به چین و هند می باشد .

الف : مدل شهرهای چینی

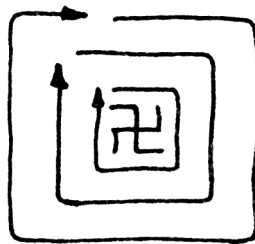
• این مدل طرح آگاهانه هر شهر بزرگی در چین ، کره ، ژاپن و بخش عمده جنوب شرقی آسیا را تحت کنترل خود قرار داد. به این مدل جعبه های متداخل نیز گفته می شود و حاوی معانی و رنگ هایی است که به جهات اصلی مربوط می شود . به عنوان مثال شمال تاریک و نامطلوب است و بنابراین باید در مقابل آن یک سپر دفاعی ایجاد نمود. فضا به طور منظم به چپ و راست تقسیم می شد و این وضعیت در سازمان حکومت نیز تجلی پیدا می نمود. عناصر محصور کننده فضا، دروازه ها و ورودی ها دارای عملکردهای حفاظتی جادویی بودند. و...



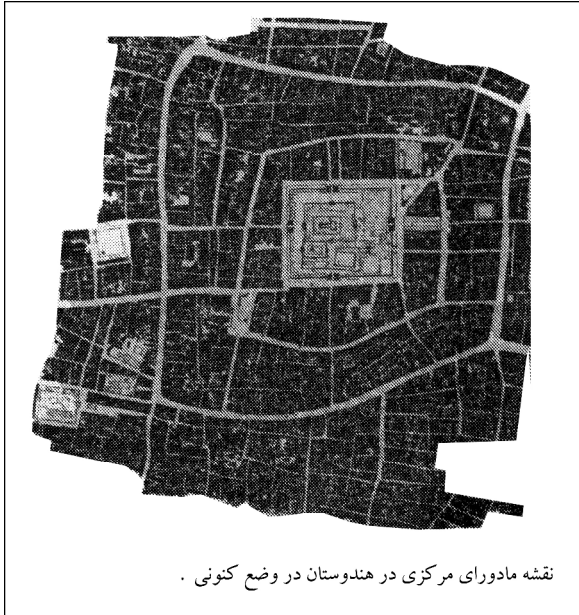
• این نظریات در شبه علم پیچیده هندسه شکوفا گردید که براساس آن جریان های محلی " پهنه ی کیهان " را که متاثر از پستی و بلندی ، پهنه های آب ، جهات اصلی و خطوط پنهانی در زمین می باشد ، مورد بررسی قرار می دهد. این علم به توصیه هایی در مورد بررسی قرار می دهد. این علم به توصیه هایی در مورد مکان های مناسب برای شهرها ، آرامگاه ها و بناهای مهم پرداخته و ...

ب : مدل شهرهای هندی

نظریه پردازان هندی کمتر بر شکل گیری واقعی شهرها تاثیر داشته اند، لیکن در برقراری پیوند بین خدایان ، انسان ها ، رسومات و طرح های شهری دارای صراحت بیشتری بوده اند. مطالبی در ارتباط با شهرسازی تحت عنوان " اسلیپا ساستراس " در اختیار داشتند که نشان می داد چگونه باید زمینی را قطعه بندی کرده و نیروهای شیطانی بی نظمی را محاصره کرده و در کنترل در آورد . یکی از اشکال متداول " ماندلا " بود که از تعدادی حلقه های بسته ، که هر کدام به مربع هایی تقسیم می شد و مهمترین نقطه آن مرکز بود تشکیل می شد.

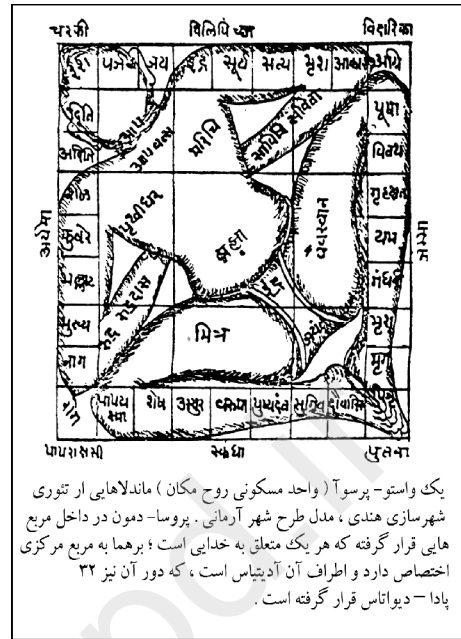


الف



نقشه مادورای مرکزی در هندوستان در وضع کنونی .

ج



بیک واستو- پرسوا (واحد مسکونی روح مکان) ماندلاهایی از تئوری شهرسازی هندی ، مدل طرح شهر آرمانی . پرسوا- دمون در داخل مربع هایی قرار گرفته که هر یک متعلق به خدایی است ؛ برهما به مربع مرکزی اختصاص دارد و اطراف آن آدیتیاست است ، که دور آن نیز ۳۲ پادا - دیواتاس قرار گرفته است .

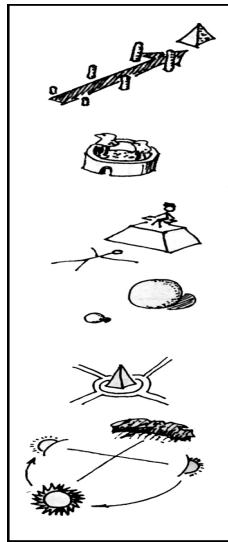
ب

- رفته رفته استفاده از مکان و شکل ، جهت نشان دادن و تحکیم قدرت به تمدن غرب انتقال یافته و تا امروز نیز استمرار پیدا کرده است. شکل تکامل یافته شعاعی شهرهای آرمانی دوره رنسانس نشانه ای از جهان ریاضی منظم به حساب می آید. ولی با نفوذ باروک ، شهر که از تعدادی محورهای بهم پیوسته واگرا و همگرا تشکیل می شد نمایانگر وسیله نظم و قدرت گردید.



نقشه پالمانوا ، در ایتالیا . در سال ۱۵۹۳ ساخته شد . از تفکر رنسانس که تقارن آرمانی شعاعی باشد ، تبعیت می کند .

- مدل های کیهانی تئوری هایی کامل و عملی درباره شهر بودند که هم جنبه عملکردی داشتند و هم جنبه هنجاری . در تصاویر زیر تعدادی مفاهیم شناخته شده ی شکل نشان داده شده است.



- مدل کیهانی مدعی وجود شهر آرمانی " بلورین " است ؛ یعنی شهری با ثبات و متکی بر سلسله مراتب. یعنی یک نمونه جادویی که در آن هر بخش در داخل یک کل کاملاً منظم تلفیق می شود.

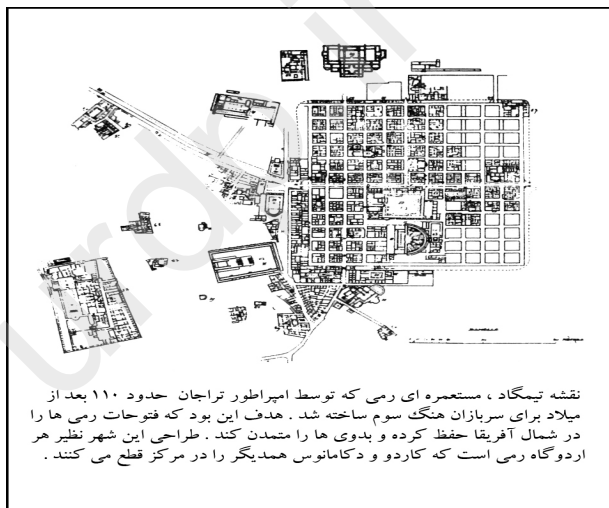


- در صورتیکه تغییری در آن اتفاق بیافتد ، میکروکوزم نیز تنها به صورت ریتمیک ، منظم و دوره های کاملاً ثابت تغییر می یابد .
- همچنین عده ای شهر را به ماشینی تعبیر می نمایند که از قسمت های ثابتی تشکیل شده است ؛ لیکن آن قسمتها حرکت می کنند. و یکدیگر را نیز به حرکت در می آورند. و کل ماشین می تواند تغییر پیدا کند.
- همانطور که اشاره گردید از الگوی " پراستریگاس " بابلوک های باریک ، کشیده و تکراری در مستعمرات یونانی استفاده شده است. این الگو گاهی نیز بر روی هر نوع زمینی تحمیل می شد .

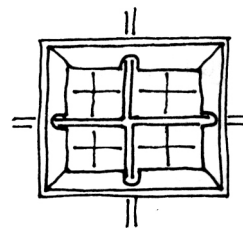
- اردوگاه مصری ها در کاهون (که به منظور تامین مسکن برای کارگران و ناظرین آنها جهت ساختن اهرام ایجاد شده بود) نیز از این نمونه بشمار می رود.



- اردوگاه های نظامی رومی ها نیز با تأثر از الگویی به نام " کاردو و دکامانوس " طراحی و احداث می گردیدند. این الگو از تقاطع دو محور منتهی و چهار دروازه که در یک مربع منظم قرار گرفته ، تشکیل شده است . این طرح اساس وزیرنای هسته بسیاری از شهرهای اروپایی را تشکیل می دهد. در واقع اکثر شهرهای جدید قرون وسطی که تعداد آنها در قرون ۱۲ و ۱۳ زیاد بود ، نیز بلوک های مستطیل شکل منظم ، ساده و تفکیک قطعات را به کار گرفته اند. (گرچه تصور این است که شهرهای قرون وسطی ، نامنظم ، متنوع و "اورگانیک" بودند، ولی شاهان و بورژواها هرگاه موقعیتی به دست می آورند اقدام به ساختن سکونت گاه هایی منظم و عملی می کردند.)

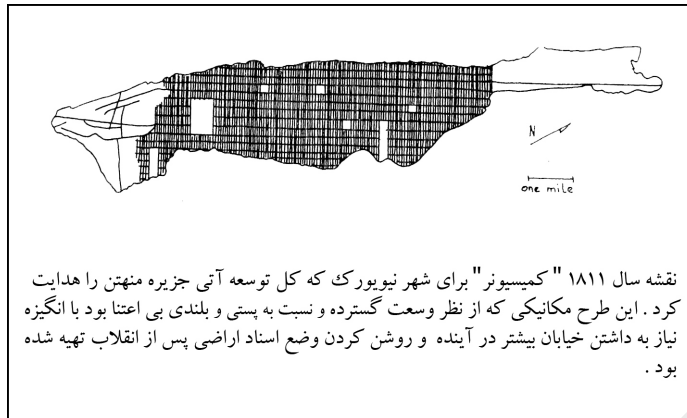


ب



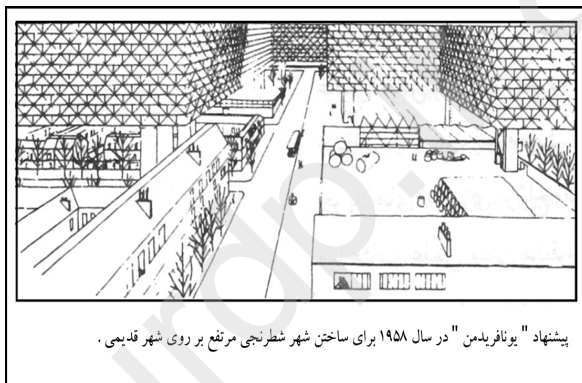
الف

- طراحی شهرهای شطرنجی شکل در ایالات متحده آمریکا با نگرشی غیر کیهانی و برپایه مدل ماشینی تحت تأثیر بورس بازی و تخصیص زمین به وجود آمدند. نظیر شهر نیویورک در آمریکا



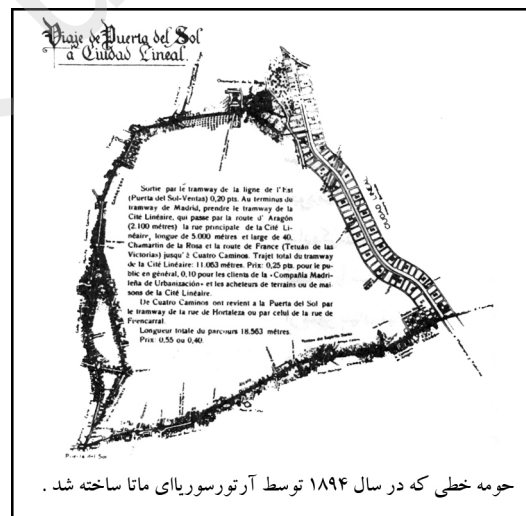
نقشه سال ۱۸۱۱ "کمیسونر" برای شهر نیویورک که کل توسعه آبی جزیره منهن را هدایت کرد. این طرح مکانیکی که از نظر وسعت گسترده و نسبت به پستی و بلندی بی اعتنا بود با انگیزه نیاز به داشتن خیابان بیشتر در آینده و روشن کردن وضع اسناد اراضی پس از انقلاب تهیه شده بود.

- مدل ماشینی صرفاً به کار گرفتن طرح شطرنجی نیست. (در حقیقت شبکه های شطرنجی جزء عناصر اصلی مدل جادویی چینی نیز به حساب می آمدند). بلکه دیدگاهی است خاص در مورد اجزاء و کل و عملکرد های آنها. افرادی نظیر "لوکوربوزیه" (در طرح رادیانت سیتی)، "آرتور سوریای ماتا" (در طرح شهرخطی)، "ادگار چامبلس" (در کار ردتون)، "ملیوتین" (در طرح ساتسگرود - که در آن شهر را به یک نیروگاه برق و یا به یک خط تولید شبیه می کند -) "سالری" (در طرح بابلدیگا)، "آرچیگرام" و "فریدمن" و ... همه و همه به نوعی از مدل ماشینی در طرح های خود استفاده نموده اند.



پیشنهاد "یونافریدمن" در سال ۱۹۵۸ برای ساختن شهر شطرنجی مرتفع بر روی شهر قدیمی.

ب



حومه خطی که در سال ۱۸۹۴ توسط آرتور سوریای ماتا ساخته شد.

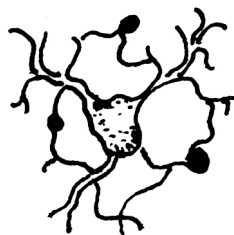
الف

مدل اورگانیک

- شهر یک ارگانسم پویاست. تصور شهر به عنوان یک موجود زنده نخستین بار در قرن ۱۹ توسط "هگل" و "اسپنسر" ارائه گردید. این دیدگاه می توانست بسیاری از تصورات هنجاری گذشته را که به طور مشهودی درست به نظر می رسید، تایید نماید در واقع اساس و پایه نو شهرهای انگلیسی، شهرهای با کمر بند سبز در آمریکا و بسیاری از نو شهرهای جدید دنیا را این نظریه تشکیل می دهد.
- شکل پیشرفته تری از این مدل در نو شهر "تاپیولا" در فنلاند، در طرح اولیه پارک "بدفورد" و شهرک حومه ای "همپستد گاردن" در انگلستان و در "رادبرن" و "چا تام ولیج" در ایالات متحده به کار گرفته شده است.



در این مدل اولین اصل این است که هر مجموعه زیستی باید یک واحد اجتماعی و فضایی جداگانه شمرده شده و تا آنجا که مقدور است مستقل باشد. لیکن از نظر داخلی، مردم و اماکن آن باید کاملا وابسته تلقی شوند. مدل اورگانیک برای آن هماهنگی و همبستگی تاکید دارد که به جای مبارزه رقابتی، قصد بقاء و استحکام جامعه را دارد. شکل و عملکرد هر بخش داخلی باید در هم ادغام شود ولی در عین حال هر بخش به روشنی از سایر بخش های داخلی و سایر عملکردها متمایز می باشد. مجموعه باید چه از نظر ظاهری و چه واقعی، حکم واحد را داشته باشد. اندازه بهینه ای را می توان برای آن متصور شد که ورای آن مشکل آفرین خواهد بود. همچنین ساختار داخلی سکونتگاه باید براساس سلسله مراتب یعنی درخت شاخه دار باشد.



- در این الگو، سکونت گاه ها درست مانند موجودات زنده متولد شده و به بلوغ و تکامل می رسند. (البته بر خلاف موجودات زنده نباید بمیرند). عملکردها به صورت ریتمیک صورت می گیرند و مجموعه زیستی سالم با تکیه بر پویایی و تعادل فیزیولوژیکی ثابت پیدا می کنند. این چرخه بدون انقطاع و بصورت متعادل کننده حفظ دائمی و مستمر جوامع و منابع را موجب می شوند. و ...
- شکل های کالبدی معینی را می توان به این نظریات نسبت داد، نظیر الگوهای شعاعی، واحدهای محدود شده، کمربند سبز، مراکز متمرکز، طرح های تحلیلی و غیر هندسی، انحناهای نامنظم و...



بخش دوم :

تئوری شکل خوب شهر

- کیفیت یک مکان ، تابع تاثیر مشترک مکان و جامعه ای است که آن را اشغال می کند.
- شهر از طریق علائم و نشانه ها بهم پیوند می خورد تا با نظم مکانیکی و یا اتصالات مکانیکی و یا انسجام اورگانیک در حقیقت شهر پدیده ای در حال تغییر و توسعه است تا یک شکل ابدی و یا یک تکرار مکانیکی که زمانی نیز فرسوده شود، یا یک دوره تکراری ثابت که مفهومی اکولوژیکی دارد. نیست که با مصرف انرژی تغذیه شود. با این حال به نظر می رسد شهر با مفهوم اکولوژی بیان نزدیک تری دارد.
- یک شهر خوب چگونه شهری است ؟ یک شهر خوب ، شهری است که توسعه داشته باشد (توانایی ها و ارتباطاتش تقویت گردد) ، حس ارتباط با محیط از نظر زمانی و مکانی در آن بهبود یابد، تداوم فرهنگی را ارتقاء بخشد، به بقاء و پایداری افراد آن کمک نماید، بر حس ارتباط در زمان و فضا بیافزاید و زمینه رشد فردی را فراهم و یا آن را تشدید کند. یک سکونت گاه خوب، یک سکونت گاه باز است. سکونتگاهی قابل دسترس ، غیر متمرکز، متنوع ، قابل انطباق و پذیرای تجربه .
- هر مدل جدیدی که برای شهر ارائه می شود باید بتواند بین ارزشها و اهداف ارتباط برقرار نماید.

محورهای کیفیت شهر :

الف : محورهای اصلی (سرزندگی ، معنی ، تناسب ، دسترسی ، نظارت و اختیار)

۱- سرزندگی :

- یعنی اینکه تا چه اندازه شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی ، نیازهای بیولوژیکی و توانایی های انسانی بود. و از همه مهمتر چگونه بقاء همه موجودات را ممکن می سازد.
- این معیار، یک معیار انسان محور به حساب می آید سه خصوصیت اصلی محیط که در سرزندگی انسان نقش دارند عبارتند از :

الف) یعنی به اندازه ی کافی محصول و مواد غذایی ، سوخت و آب و هوا و... برای زنده بودن وجود داشته باشد.

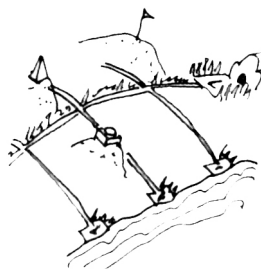
ب) ایمنی : محیط مطلوب باید از نظر کالبدی محیطی امن باشد.

ج) سازگاری : محیط می بایستی با ساختار بیولوژیکی انسان به لحاظ دما، رطوبت ، فشار ، دید، صدا، و... سازگار باشد.

۲- معنی :

- یعنی چقدر یک سکونت گاه می تواند درک شود و ساختار ذهنی انسان از شهر به چه میزان با ارزشها و مفاهیم فرهنگی جامعه در ارتباط می باشد. ادراک یک عمل خلاقانه است، نه یک دریافت انفعالی .
- در واقع معنی به شکل فضایی و کیفیت وابسته است اما در عین حال به فرهنگ ، منش ، موقعیت ، تجربه و مقصد کنونی مشاهده گر نیز بستگی دارد. بهمین دلیل معنی یک مکان خاص برای مشاهده گران مختلف، متفاوت خواهد بود.
- ساده ترین شکل معنی ، " هویت " است یعنی معنی یک محل . هویت یعنی حدی که شخص می تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان ها شناخته و یا ، بازشناسی نماید. بطوری که شخصیتی مشخص ، بی نظیر ، یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود. مناسبت ها و مراسمی که در یک مکان اجرا می شود باعث معنی دار شدن فضا می گردد.

- عنصر دیگر معنی، "ساختار رسمی" است که در مقیاس یک مکان کوچک به معنی چگونگی ترکیب اجزاء با یکدیگر و در سکونت گاه بزرگ به مفهوم حس جهت یابی است. از این رو باید ساختار یک فضا راحت درک شود و بتوانیم در آن بسادگی جهت یابی نماییم.



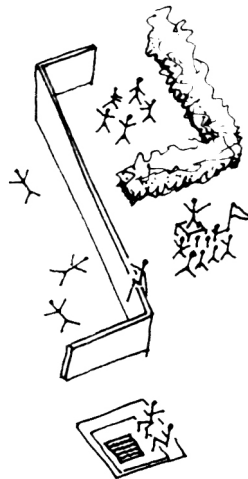
- هویت و ساختار، جنبه هایی از شکل هستند که به ما امکان می دهند فضا و زمان را شناخته، در قالب الگوهای خود معرفی کنیم. بعد از آن کیفیاتی مطرح می شوند که به ما در برقراری پیوند بین شکل شهر و دیگر خصوصیات زندگی ما کمک می کنند. اولین سطح را می توان سازگاری نامید، که به مفهوم انطباق کاملاً شکلی ساختار محیطی با ساختار غیر فضایی است. یعنی آیا شکل مجرد یک مکان با شکل مجرد فعالیت های آن و یا خصوصیات جامعه ای که در آن ساکن است منطبق می باشد؟

- شفافیت یا "بیواسطگی" جزء نسبتاً ساده دیگری از معنی دار بودن می باشد. منظور حدی است که شخص می تواند مستقیماً نحوه عمل فعالیت ها و عملکردهای فنی مختلف و فرآیندهای اجتماعی و طبیعی را که در درون سکونتگاه اتفاق می افتد درک کند. آیا شخص می تواند صدای برخورد امواج به ساحل را بشنود؟ یا نقل و انتقال پول و پیام ها را تماشا کند؟
- خوانایی نیز جزئی از معنی است. یعنی تا چه میزان ساکنین یک سکونتگاه در به برقراری ارتباط صحیح با یکدیگر از طریق عناصر کالبدی نمادی هستند. (کوین لینچ از پنج عنصر راه، گره، لبه، محله و نشانه، به عنوان عناصر خوانایی بخش محیط یاد می کند.)

- معنی دار بودن را می توان با بهبود بخشیدن توانایی انسان در درک محیط نیز افزایش داد.

۳- تناسب:

- یعنی تا چه حد اندازه الگوی فضایی و زمانی شهر با رفتار عادی ساکنین آن منطبق است. به عنوان مثال تا چه اندازه شکل و یا ظرفیت یک خیابان با الگو و کمیت فعالیت هایی که مردم به آن اشتغال دارند یا خواهند داشت، منطبق است.
- تناسب می تواند با زمینه ی جهانی و یا محلی باشد. تناسب با زمینه ی جهانی، به خصوصیات جسمی انسان و نظام های کالبدی بطور کلی، ارتباط پیدا می کند (نظیر روابط اندازه ای و درک انسان از مقیاس ها و...) اما در تناسب محلی بحث فرهنگ و خلق و خوی و هنجاری بومی و محلی مطرح می گردد (به عنوان مثال یک مسکن آپارتمانی مناسب یک خانواده روستایی نیست.)
- بر خلاف سرزندگی در تناسب غالباً از واژه ی "کافی" استفاده می شود. به عنوان مثال آیا فضای کافی برای بازی کودکان وجود دارد؟
- از تفکیک و تقسیم یک منطقه به بسترهای کوچکتر متعدد نیز می توان به ایجاد تناسب در فضاها کمک نمود؛ بطوریکه رفتارهای متفاوت بتوانند بدون تعارض با بسترهای خاص خود شکوفا گردند.



- مفید ترین تمهیدات افزایش تناسب ، به تعمیم فرآیند مربوط می شود تا به تعمیم شکل .
- تناسب را می توان با تغییر دادن رفتار به منظور انطباق با مکان و یا برعکس افزایش داد.
- هنگامی که مکان و فعالیت به موازات یکدیگر شکل بگیرند، تناسب به طور اعجاب انگیزی افزایش می یابد. درحقیقت یک مکان کاملاً مناسب و تطبیق یافته ، مکانی است که در آن عملکرد و شکل به خوبی با یکدیگر منطبق شده باشند.
- بحث انعطاف پذیری نیز غالباً در ارتباط با مقوله ی تناسب مطرح می گردد.
- دو نکته در بحث انعطاف پذیری و تطبیق پذیری یک درآینده وجود دارد : یکی قابلیت دست کاری و دیگری برگشت پذیری برنامه .

• سه اصل " قانون لاری " در بحث انعطاف پذیری :

۱- از مشکلات کاملاً بارز دوری کنید.

۲- معنی و حس محیط را حفظ کنید.

۳- قابلیت دستکاری و برگشت پذیری را تامین کنید.

۴ - دسترسی :

- دسترسی را می توان بر حسب عناصری که دسترسی به آنها برقرار می شود و اینکه چه کسی هزینه آن را تحمل می کند دسته بندی کرد. شاید اساسی ترین نوع دسترسی ، دسترسی به افراد باشد . پس از آن به ترتیب ، دسترسی به فعالیت های انسانی کالاها و منابع خاص ، اماکن و اطلاعات ، از نظر اهمیت در دوره های بعدی جای گیرند.
- " ملوین وبر " : تغییر کنونی در وسائل ارتباطی مهمترین عامل تعیین کننده در شکل گیری جدید الگوهای شهری ما است.
- دسترسی کیفیتی نیست که بتوان صرفاً آن را به حداکثر رساند.
- یکی از معیارهای کیفیت شهری " تنوع " می باشد. این تنوع طیف کاملی از چیزی های قابل دسترس را در بر می گیرد. به عبارتی یک شبکه ی دسترسی مطلوب سبب می گردد تا فرد بتوانیم شاهد فضایی متنوع با رفتارها متنوع تر باشد . باید به این نکته نیز توجه نمود که وقتی تنوع بسیار افزایش یابد ، انتخاب ها به ناچار کمتر شده و اغتشاش ایجاد می گردد.
- هر چه تنوع در یک شهر بیشتر گردد، مردم گوشه گیرتر شده و بیشتر به سمت سادگی می روند و می خواهند تا دسترسی های آنها کنترل شده تر باشد.

- سه زیر محور مهم دسترسی عبارتند از: تنوع چیزها بی که دسترسی به آنها برقرار می شود، عدالت دسترسی برای گروه های مختلف جمعیت و کنترل شبکه دسترسی. زیر محور آخر، وسیله عمده ای برای اعمال نظارت اجتماعی است.
- روشهای بیشماری برای اندازه گیری دسترسی وجود دارد که شامل: نقشه زمان - فاصله، نمودارهای اتصال، نقشه های بالقوه، نقاط زیر استاندارد دسترسی، "قلمرو خانه" و نقشه ذهنی قلمرو قابل دستیابی.
- دسترسی، کانون مطالعات اقتصاد بهره وری بوده و علاوه بر این در شناخت نظام اجتماعی و تحلیل آثار روانشناسی بر شهر نیز حائز اهمیت می باشد.

۵- نظارت و اختیار:

- یعنی یک شهروند تا حد اختیار استفاده از یک فضا یا دسترسی به فضاهای مختلف را داراست. تا چه حد می تواند یک فضا را تغییر دهد، اصلاح نماید و در نهایت می بایستی مشخص گردد که مالکیت یک فضا به چه صورت می باشد و تا چه حد مردم بر این فضاها و عملکردها نظارت می کنند. بحث مشارکت جمعی در این مبحث مطرح می گردد.
- در بحث نظارت می بایستی به جنبه ی توسعه ی پایدار و حفظ منابع برای آیندگان نیز توجه نمود.
- اولین حق فضایی، حق حضور است یعنی حق بودن در یک مکان که بعدا به آن حق بیرون کردن دیگران نیز اضافه می شود. دومین حق، حق استفاده و عمل و رفتار آزادانه در یک مکان و یا استفاده از تسهیلات آن بدون اختصاص آن به خود می باشد. حق سوم، حق اختصاص به خود است. که براساس آن می توانیم منابع یک مکان را به خود اختصاص می دهیم. چهارم، حق تغییر و اصلاح است. و پنجم حق واگذاری است.
- نظارت می تواند مبتنی بر آداب و رسوم کهن و بومی، قدرت عالیه، توافق بین گروه ها، قطعه بندی بر اساس زمان و مکان و ... باشد.
- در مواقعی می توان با حذف نظارت مستقیم حس اختیار عمل را برای فرد ایجاد نمود.
- نظارت در یک سکونت گاه خوب باید مطمئن، مسئول و سازگار باشد.

ب: محورهای فرعی (کارایی و عدالت)

۶- کارایی:

- یعنی با لحاظ نمودن ارزش اقتصادی پروژه، جنبه های کیفی و زیبایی شناختی و جمعی و... بین فضاها و پروژه های مختلف، مقایسه ای صورت گیرد و پر بازده ترین آنها مشخص گردد. در چنین حالتی می بایستی به عنوان مثال ارزشهای مادی دو پروژه را ثابت فرض نمود و دسترسی، نظارت یا... به عنوان متغیرهای وابسته ارزش گذاری گردند.

۷- عدالت:

- به معنی چگونگی توزیع سود و زیان محیطی بین افراد طبق اصول خاصی نظیر برابری، نیاز، ارزش ذاتی، قدرت پرداخت، تلاش، کمک بالقوه و یا قدرت.
- عدالت معیاری است که عایدی بین افراد را متعادل می سازد، در حالیکه کارایی عایدی بین ارزشهای مختلف را متعادل می کند.
- اولویت در بحث عدالت به ترتیب با سرزندگی، دسترسی، اختیار و نظارت می باشد.
- در یک محیط کارا، گاه اصول ۵ گانه ی اصلی، به گونه ای متضاد نیز ظاهر می شوند به عنوان مثال همیشه هماهنگی محیط با سرزندگی همراه نیست چرا که با توجه صرف به سرزندگی و سلامت، هماهنگی فضا از بین می رود. یا بسیاری از

فضاها علی رغم دارا بودن حس مکان، محیطی خشک و غیر قابل انعطاف دارند و یا داشتن دسترسی خوب، در بسیاری از موارد با نظارت محلی تعارض پیدا می نماید و ...

- برای اینکه مکانی بخواهد قابل دسترسی باشد باید معنی دار نیز باشد اما عکس این قضیه الزاما صحیح نیست.
- جایگاه نظارت در آن بیشتر باشد، دسترسی در آن کمتر است.
- محیطی که انعطاف پذیری و تناسب خوبی دارد غالبا نظارت در آن بیشتر بوده و معنی دار تر می باشد حال آنکه یک محل می تواند به خوبی نظارت شود اما قابلیت انعطاف پذیری اندکی داشته باشد.

بخش سوم:

چند کاربرد

- "افلاطون" شهر خوب باید دارای جمعیتی معادل ۵۰۴۰ (۷!) شهروند زمین دار باشد. این تعداد جمعیت از طریق مهاجرت و قوانین توارث تحقق پیدا می کند.
- "ارسطو" در کتاب سیاست خود می گوید: ده نفر تشکیل یک شهر را نمی دهند، و صد هزار نفر نیز دیگر نمی تواند شهر باشد. شهر باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا برای گذراندن یک زندگی خوب مطابق روال یک جامعه سیاسی خود کفا باشد ...
- متاسفانه شواهدی مبنی بر وجود یک اندازه بهینه کلی برای شهر در دست نیست. در واقع برحسب محورهای چون هویت، دسترسی و یا نظارت و ... اندازه های متفاوتی را برای یک شهر می توان لحاظ نمود. همچنین می توان عنوان نمود که بزرگتر شدن شهر بیش از آستانه ی مفروض، معایب و مزایای ویژه خود را به همراه می آورد.
- رشد در اندازه یک محل یا تغییر در عملکرد آن ممکن است اغلب آنقدر سریع باشد که تطبیق موفقیت آمیز سرزندگی و تناسب را میسر نسازد. از این رو افرادی همچون افلاطون به طرفداری از "رشد صفر" برخاسته اند. البته ثبات مطلق نیز امکان پذیر نمی باشد. علاوه بر این چون جمعیت ها و مکان ها سالخورده می شوند. (با فرض رشد ثابت) ترکیب کل به صورت چشمگیری تغییر پیدا خواهند نمود. بنابراین معقول به نظر می رسد که بتوان نرخ متوسطی از رشد را یافت که بهینه باشد.
- برای اینکه بتوانیم در مقابل فضای طبیعی به درستی برخورد نماییم باید پذیریم که شهر نیز به اندازه ی روستا طبیعی بوده و هیچ تفاوتی میان این دو از این لحاظ وجود ندارد.
- حفظ محیط تاریخی برای نخستین بار در آمریکا و با انگیزه های سیاسی (برای جلوگیری از نقض وحدت ملی و تلاش برای آمریکا بی کردن مهاجران در آمریکا) آغاز گردید.

بافت ها و شبکه های شهری:

- در هر سطحی از تراکم، مکان های مبهم و بی معنی و نیز مکان های مطلوب و معنی دار می تواند وجود داشته باشد. طبعاً با تغییر در شرایط فرهنگی، تکنولوژیکی، اقلیمی، و ... میزان تراکم مطلوب در شهر نیز تغییر می کند. همچنین علاوه بر تراکم عادی جمعیت، تراکم محل کار، خدمات، و ... نیز در شهر حائز اهمیت می باشند.

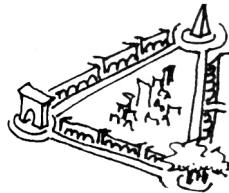
- ترکیب سکونتگاه ، خصوصیات بنیادی دیگری از بافت آن می باشد که اغلب با تراکم اشتباه گرفته می شود. این ترکیب به معنای نحوه ی مخلوط شدن عناصر مختلف (فعالیت ها، گونه های ساختمانی ، افراد و...) با یکدیگر می باشد .
 - یک ترکیب می تواند ...
 - ۱- ریز باشد : هنگامی که عناصر شبیه و یا دسته کوچکی از آنها بطور گسترده ای بین عناصر غیر شبیه پراکنده باشند.
 - ۲- درشت باشد : هنگامی که مناطق وسیعی از یک عنصر از مناطق وسیعی از عنصر دیگر جدا شده باشند.
 - ۳- روشن باشد : هنگامی که عبور از دسته ای از عناصر شبیه به عناصر غیر شبیه همجوار ناگهانی باشد.
 - ۴- تار باشد : وقتی که عبور از دسته ای از عناصر شبیه به عناصر غیر شبیه همجوار به صورت تدریجی انجام گیرد .
 - ۵- کیود باشد : به یک ترکیب ریز و تار کیود گفته می شود.
- ترکیب صرفا روشی برای صراحت بخشیدن به آن خصوصیات فضایی شهرها است که غالبا مورد بحث قرار گرفته و با کلمات گوناگونی همچون جدایی ، یکپارچگی ، تنوع ، خلوص ، اختلاط کاربری یا دسته بندی مورد استناد قرار می گیرد.
 - هماهنگی منطقه ای و نظارت در یک ترکیب درشت بسیار مشکل تر خواهد بود، در حالیکه نظارت محلی ممکن است ارتقاء پیدا کند.
 - در کشورهای سوسیالیستی ترکیب ریز و تار می باشد و بالعکس در کشورهای نظیر آمریکا ترکیب درشت و روشن می باشد .
 - دریک ترکیب درشت دسترسی به سختی صورت گرفته و زمان زیادی را به خود اختصاص می دهد. نا برابری دسترسی به منابع و تسهیلات نیز با جدائی فضائی افزایش پیدا خواهد نمود.
 - امروزه ترکیب کار و فعالیت نیز مانند ترکیب مسکن به سوی درشت شدن پیش می رود .
 - بحث منطقه بندی خوشه ای به نوعی ترویج تفکر منطقه بندی ریزدانه می باشد.

مدل های شهری و طراحی شهری :

- تعریف مدل : توصیفی از یک شکل یا یک فرآیند که می تواند به عنوان نمونه عالی دنبال شود.
- مدل ها بیشتر دستور می دهند و عملکرد را معین نمی کنند.
- معیارها ، استانداردها و محورهای عملکردی ابزاری هستند که از طریق آنها مدل ها مورد ارزیابی قرار می گیرند.
- در مدلهایی که توسط برنامه ریزان ارائه می شود بیشتر بر روی فرآیند تکیه می شود. در حالی که در مدلهای طراحان شهری بیشتر بر روی شکل تاکید می گردد. اما باید به این نکته نیز توجه نمود که با تاکید بر روی هر یک بدون توجه به دیگری نمی توان نتیجه ایده آل را بدست آورد.
- در گذشته اغلب برای هدایت طراحی شهرهای جدید و نیز قدیم از مدل شبکه ی محوری باروک استفاده می گردید. در این شبکه مثلثی تعدادی نقطه حاکم در سرتاسر یک ناحیه انتخاب شده و بناهای نمادی مهمی در آن نقاط برپا می گردید این نقاط مرکزی از طریق خیابانهای وسیع به یکدیگر متصل می شدند. این خیابانها علاوه بر عبور رفت و آمد اصلی ، به عنوان راه های بصری به نقاط نمادی یا گروه ها منتهی می گردید. از این مدل نخستین بار در جنگل برای باز کردن محورهای دید استفاده گردید. این مدل می تواند به سرعت در طیف گسترده ای از فضاها پیچیده بکار گرفته شود و در شهرهای متوسط نا



منظم ، هویت ایجاد نماید. " لوفان " از این مدل در طراحی شهر آینده واشینگتن استفاده نمود. روی هم قرار دادن مدل باروکی با یک شبکه شطرنجی وسیع و نامنظم و نیز مدیریت نادرست توسعه واشینگتن سبب گردید تا شهر حاصل ، روشنی و وضوح مورد انتظار را برآورده نماید . بعدها " بارون هاسمن " نیز در طراحی شهر پاریس از این مدل استفاده نمود.



ضمائم

الف : مروری خلاصه بر تئوری عملکردی

تئوری های برجسته پیدایش و عملکرد شهر :

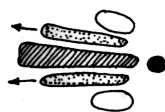
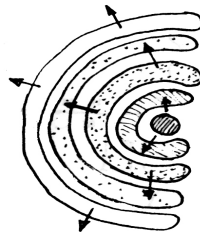
۱- شهرها فرآیند های تاریخی خاصی هستند.

- این افراد شهر را یک فرآیند خاص و انباشتی تاریخی می دانند که شکل خاص موجود خود را از طریق زنجیره ای از رویداد های فردی ، به تبع وقایع و تصادفات تاریخی و محلی و تحت نفوذ شدید فرهنگ ، اقلیم و ساختار اقتصادی و اجتماعی ، یافته است.
- به عقیده این افراد هر شهر داستان خاص خود را دارد.

۲- شهر به عنوان اکوسیستمی برای گروه های انسانی .

۱-۲- طرح دواير متحدالمركز (" رابرت پارک " و " ارنست برگس ") :

- این دیدگاه یک دیدگاه اکولوژیکی است که بر پایه ی علم جامعه شناسی استوار شده است.
- در این نظریه ، برای توجیه جایگزینی یک گروه انسانی بوسیله گروهی دیگر در شهر، از تصورات اکولوژی گیاهی (رشد گیاهی) الهام گرفته شده است . شهر مورد بررسی در این فرضیه شهر " شیکاگو " بوده است .
- الگوی حاصله از نتایج این مطالعات را " دواير متحدالمركز " می نامند .

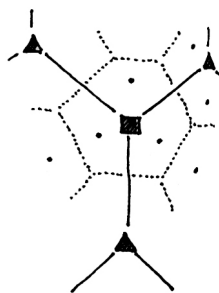


۲-۲- طرح محوری " هایت " :

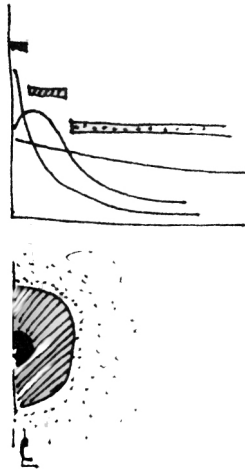
- در این نظریه، هایت پس از مطالعه شهرهای آمریکایی به این نکته اشاره می نماید که شهرها در طول محورها و خطوط ارتباطی مراکز مختلف مسکونی، کارخانجات صنعتی، مسکن فقرا، و ... ساخته شده اند.

۳- شهر فضایی است برای تولید و توزیع کالا.

- فعالیت ها و فضاها در شهر تمایل دارند به گونه ای شکل گیرند که هزینه تولید، زمان و منابع انتقال کالا به حداقل برسند.
- فضا خود یکی از منابعی است که مکان تولید و مصرف را در اختیار قرار می دهد و بنابراین فعالیت ها جهت دستیابی به مقداری از این فضا و همینطور دسترسی به شبکه ارتباطی نیز به رقابت می پردازند.
- انگیزه اصلی در این دیدگاه، ایجاد الگوی فضایی متعادل می باشد. این تعادل مبین وضعیتی است که کارا ترین تولید و توزیع کالاها را با فرض منابع موجود امکان پذیر می سازد. بنابراین، این تئوری ها، تئوری های ایستا می باشند.
- این نظریه همچنین بیانگر تمایل صنایع وابسته به تمرکز در یک نقطه بینا بینی است و هنگامی که چنین مراکزی ایجاد شدند، جذابیت مکانی بیشتر را نیز برای آنها توجیه می کند.
- این الگوها بیشتر در تحلیل الگوهای منطقه ای شهرها مفید اند تا الگوهای فضایی داخل شهرها.
- بحث دوم اقتصاد فضایی، تئوری مرکزیت مکانی است که در سال ۱۹۳۳ توسط "والتر کریستالر" ارائه گردید. کاربرد مطلوب این تئوری نیز در مقیاس ملی و منطقه ای می باشد تا شهری و یک تئوری تجاری است نه صنعتی. زیرا توجه اصلی آن توزیع کالا است و نه تولید آنها. به فرض وجود یک فضای بدون عارضه، یکسان بودن هزینه حمل و نقل، توزیع یکنواخت رویه ها و مصرف کنندگان و ... در این صورت سلسله مراتب منظمی از مکان های مرکزی توزیع پدید خواهد آمد. این مراکز ضلعی بازار را تشکیل می دهند که شش تایی اینها شش ضلعی منطقه بازار مرکز دیگری را در مقیاس بالاتر بوجود می آورد و تا آخر. این نظم سلسله مراتب ها یعنی الگوی شش ضلعی و شبکه حاصله مثلثی راهها، کارایی توزیع و میزان ارتباط اقتصادی را به حداکثر می رساند. از این تئوری اغلب جهت تعیین مکان مراکز تجاری برنامه ریزی شده در داخل شهرها و حمایت از سیاست هایی که سلسله مراتب شهرها را در مقیاس ملی به نظم در آورد، استفاده شده است.



- مدل شعاعی اجاره و دسترسی (بر اساس نظریه های "ون تونن" و "آگوست لوش") نیز، مبتنی بر رقابت بازار آزاد در فضا، در شهری تک مرکزی است که این مرکز معرف نقطه حداکثر دسترسی می باشد. بر اساس این نظریه صاحبان فعالیت های مختلف مایلند قسمت های مختلفی را برای هر واحد فضای شهر در فواصل متفاوت نسبت به مرکز شهر پرداخت نمایند. فروشگاه ها واردات بزرگ در مرکز و فقرا و ... در فواصل دورتر استقرار می یابند.

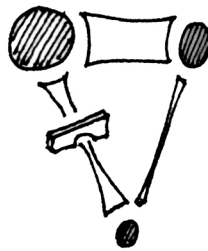


• این تئوری نیز اساساً یک دیدگاه ایستا می باشد و بر اساس تعادلی استوار که فضا را تنها یک قالب خالی تلقی کرده که مکان در اختیار گذاشته و موجب تحمیل هزینه های حمل و نقل می گردد، معیار اصلی کارائی اقتصادی است و نتیجه فرایند تعادل، یک و صنعت بهینه است.

۴ - شهر به عنوان حوزه عمل نیروها .

• در اینجا شهرها را به حوزه نیروی مغناطیسی یا جاذبه ای تشبیه می کنند. با در نظر گرفتن افراد به عنوان نقاطی با بار الکتریکی و یا اجسامی با جرم مساوی، سکونتگاه ها و نظام سکونتگاه ها را می توان با استفاده از قانون عکس مجذور فاصله در نقشه هایی با حوزه های مداوم ترسیم کرد. به این مفهوم که این نقاط متحرک به نسبت جرم یا بار الکتریکی خود و عکس مجذور فاصله بین آنها جذب و یا دفع می کنند. حوزه ی نفوذ با دور شدن از نقطه مرکزی تقلیل پیدا می کند، همانگونه که سطح حباب کروی شکلی که از آن نقطه شروع می شود افزایش می یابد. اندازه این سطح با مربع شعاع آن نسبت دارد.

• نقشه های پتانسیل حوزه را می توان برای پیش بینی تغییرات آتی، شامل تمایل به تمرکز و توزیع میزان رشد و همینطور برای تشریح جریان ها بین نواحی مختلف حوزه، نظیر جریان رفت و آمدهای مستمر، پیام های تلفنی، بارو غیره بکار گرفت. به افراد نیز می توان بر حسب میزان درآمد یا متغیرهای دیگر " وزن " های متفاوتی داد...



ب : زبان الگوهای شهری

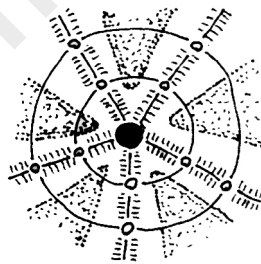
- از جمله مشکلات بارز در الگوهای شهری می توان به موارد زیر اشاره نمود :

- ۱- به بعد سوم (ارتفاع) توجه کمی می شود.
- ۲- به بعد زمان توجه نمی شود (مردم را در حال خواب در خانه ها فرض می کند).
- ۳- غالباً الگوها در بیان موضوعات یا جزئیات زیادی را نشان می دهند و یا اصلاً چیز مهمی را نشان نمی دهند.

- ۴- بسیاری از عناصر مهم فضایی شهری ندیده گرفته می شوند .
- برنامه ریزان و طراحان معمولاً دارای نقطه نظرهای خاص خود در مورد شهرها بوده و مجموعه ای مشخص از ارزش ها را درباره شکل شهر قائل هستند . این ارزشها عبارتند از :
 - ۱- شهر باید دارای " شهریت " باشد . تنوع ، بداعت ، خوش منظری و سطح زیادی از ارتباط متقابل از خصوصیات آن است .
 - ۲- شهر باید نمایانگر جامعه و ماهیت جهان بوده و آن را تقویت کند . عناصر مهم این هدف عبارتند از نمادگرایی ، معانی فرهنگی ، غنای تاریخی و شکل های سنتی .
 - ۳- نظم ، وضوح و بیان عملکرد موجود از اصولی ترین معیارها هستند .
 - ۴- تدارک و نگهداری مؤثر خدمات و تسهیلات مورد نیاز در شهرها
 - ۵- شهر اصولاً یک نظام اداره شده ی در حال حرکت است که مهمترین عناصر آن عبارتند از بازار ، عملکرد های نهادی ، شبکه ارتباطات غیر فضایی و فرآیند تصمیم گیری .
 - ۶- نظارت محلی ، جمع گرایی ، حمایت مؤثر ، زمینه روانی خوب و تسلط گروه های اجتماعی کوچک نیز از جمله ارزشهای اصلی بشمار می آیند .
 - ۷- محیط از طریق تجربه مشخص و به خاطر کیفیاتی همچون باز بودن ، خوانایی ، معنی ، تربیت و لذت احساسی دارای ارزش می شود . این دیدی از درون شخص است .
 - ۸- شهر وسیلهٔ تامین سود و یا قدرت است . بر این اساس شهر صفحهٔ رقابت ، تخصیص و بهره برداری و تقسیم منابع است .
 - ۹- مهم نیست محیط چه باشد ، آن را آنطور که هست بپذیرد . و ...

➤ فهرستی از مدل های شکل سکونتگاه :

۱- شهر ستاره ای (رادیوکونسانتریک)



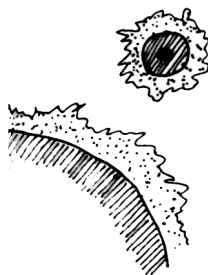
- طبق این نظریه ، بهترین شکل برای هر شهر متوسط تا بزرگ شکل ستاره ای شعاعی و یا " ستاره ای " است .
- چنین شهری دارای یک مرکز شهری عمده با تراکم زیاد و کاربری های مختلط است که چهار راه ارتباطی اصلی به آن منتهی می شود . این خطوط ارتباطی ، شبکه حمل و نقل عمومی و همچنین جاده های اصلی را بر خواهد داشت . مراکز شهری درجه ی دو به فواصل معین در امتداد این خطوط قرار می گیرند .
- فعالیت های متراکم یا اینکه در اطراف مراکز درجه دو تجمع پیدا می کنند و یا در طول خطوط عمده ارتباطی پخش می شوند . و کاربری های کم تراکم تر مکان هایی دور از خطوط شعاعی اصلی را از اشغال می کنند .

- لچکی های باز سبز بقیه فضاها بین پنجه های توسعه را بر می گیرد و در فواصل معینی از مرکز اصلی شهر، بزرگراه های کمربندی قرار می گیرند که این پنجه ها را به هم وصل کرده ولی به جز در مواردی که آن خطوط را قطع می کنند، در سایر موارد در اطراف آنها ساختمانی ساخته نمی شود.
- این الگو توجیه منطقی شکلی است که با رشد سریع مراکز شهری فشرده در گذشته در امتداد خطوط ارتباطی عمومی جدید به صورت خود به خودی پدیدار گشته است.
- الگوی مذکور بوجود آمدن یک مرکز عمده متراکم و فعال شهری را مجاز ولی مراکز درجه دوم و فعالیت های دیگر را تنها با تراکم های متوسط و کم، مجاز می شمرد.
- در این الگو کل شهر می تواند بر حسب نیاز به اطراف توسعه یابد.
- " هانس بلومفیلد " در " مبانی نظری شکل شهر، گذشته و حال " خود به طور جامع به این الگو اشاره می نماید.
- این نظریه اساس طرح شهرهای " واشنگتن "، " کپنهاگ " و " مسکو " را تشکیل می دهد



- حفظ و ادامه شکل این الگو بخصوص در اقتصادهای سرمایه داری به خاطر نیاز به کنترل و نظارت شدیدی که برای حفظ باریکه های بهم پیوسته ی فضای سبز لازم است اعمال گردد، به ندرت امکان پذیر بوده است .
- برقراری ارتباط بین فعالیت هایی که به صورت خطی در امتداد راه های اصلی قرار گرفته اند. با حجم عظیم رفت و آمد در این راه ها مشکل بوده و با بزرگتر شدن مجموعه و افزایش جریان رفت و آمد می تواند مرکز شهر را با مشکل مواجه نماید.

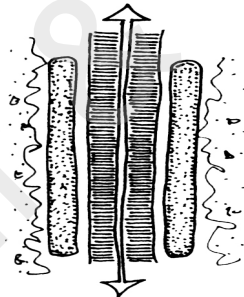
۲- شهر اقماری (پلی سانتریک) :





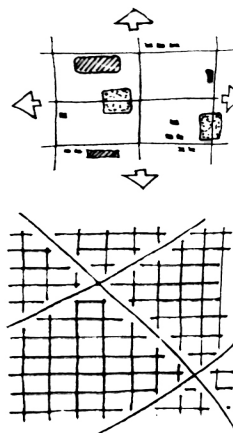
- در شهرهای بزرگ، مرکز اصلی و شکل کلی شعاعی شهر حفظ شده، لیکن رشد اضافی به جای اینکه سبب توسعه مداوم شهر در طول خطوط شعاعی گردد به صورت شهرک هایی جدا از شهر اصلی درمی آید. که به آنها شهرهای اقماری گوئیم.
- محدودیت در اندازه شهر اساس این نظریه است. در واقع شهر مرکزی را باید در حد اندازه های آن حفظ کرد و یا حتی از اندازه آن کاست ولی شهرک های اقماری را می توان برای جمعیت مورد نظر طراحی نموده و هنگامی که جمعیت از حد مورد نظر تجاوز کرد، شهرک جدیدی را پیش بینی نمود.
- شهرک های اقماری به وسیله اراضی وسیع روستایی از شهر مادر جدا شده و خود نیز با کمربندهای سبز محصور می شوند. این کمربند های سبز جایگزین باریکه های سبز الگوی ستاره ای می شوند.
- هر شهرک اقماری دارای مرکز و خدمات خاص خود بوده و مقداری نیز فعالیت های تولید دارد. رفت و آمد روزانه معمولاً محلی بوده و در داخل خود شهرک صورت می گیرد.
- اندازه مطلوب برای شهرک ها متفاوت بوده و از ۲۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ نفر ممکن است نوسان داشته باشد.
- نمونه کلاسیک این نظریه نخستین بار در سال ۱۸۹۸ توسط "ابنزرهاوارد" در کتاب با غشهرهای فردا ارائه شده است. این نظریه اساس سیاست های رسمی بسیاری از کشورها منجمله برنامه های معروف نوشهرهای انگلستان گردید.
- "هاگ استرتون" در کتاب نظریه هایی برای شهرهای استرالیایی این نظریه را مورد نقد و بررسی قرار می دهد.

۳- شهر خطی :



- نظریه شهر خطی به ندرت در عمل بکار گرفته شده است .
- این شکل شهری بر پایه یک محور پیوسته حمل و نقل (و یا چند محور موازی هم) که کلیه فعالیت های متراکم تولیدی، مسکونی، تجاری و خدماتی را در امتداد خود جای می دهد، قرارداد.
- فعالیت هایی که تراکم کمتری داشته و یا ناسازگاری بیشتری را دارا می باشند، فضاهای پشت و موازی محور اصلی را اشغال می کنند. بعد از این فضاها، فضاهای باز روستایی قرارداد.
- در این الگو مرکز عمده و برجسته ای وجود ندارد و هر کس دارای دسترسی برابر به خدمات، مشاغل و فضاهای باز می باشد
- چون کلید ساکنین شهر در اطراف محور ارتباطی زندگی می کنند، به همین دلیل شبکه حمل و نقل عمومی از کارایی بسیار بالایی برخوردار خواهد بود.
- روستاهای خطی اطراف محور ارتباطی زندگی می کنند، به همین دلیل شبکه حمل و نقل عمومی از کارایی بسیار بالایی برخوردار خواهد بود.

- روستاهای خطی اطراف جاده ها و یا مجتمع های زیستی خطی در کنار دریاها و آبراهها از اشکال قدیمی مجتمع های زیستی هستند.
 - این الگو اولین بار در سال ۱۸۸۲ توسط " آرتور سوریایا ماتا " در مادرید پیشنهاد و اجرا گردید.
 - از این الگو افرادی چون " ادگا چمپلس " در طرح رودتون (شهر جاده ای) در ایالت متحده ، " لوکوربوزیه " در فرانسه ، " رایت " در طرح شهر برودایکر ، " گروه مارس " در لندن ، " ان . ا . میلیوتین " در شهر استالینگراد و نیز طرح ساتزگروود و... استفاده نموده اند.
 - شهرهای ورشو در لهستان و لاس وگاس نیز از جمله شهرهای خطی می باشند.
 - از شهر خطی بجز در مواردی که پستی و بلندی های موجود موانع و محدودیت های عمده ای را در شکل شهر پدید آورده اند (مثل استالینگراد) ، ندرتا به اجرا در آمده است.
 - شهر خطی در مقیاس های کوچکتر نیز نظیر محورهای تجاری بکار گرفته شده است . هر چند مورد اخیر عموماً در همه جا محکوم شده است .
 - در برخی از کشورها نیز شکل خطی به صورت " کلان شهر " یعنی یک رشته از مناطق شهری بهم پیوسته به وقوع پیوسته است .
 - در این الگو فواصل بین عناصر در آن به مراتب بیشتر از یک شهر فشرده بوده و انتخاب ارتباط و یا جهت حرکت به مراتب کمتر است.
 - امکان توقف در هر نقطه از این مسیر وجود ندارد.
 - شکل خطی در مقیاس های کوچک کار نمی کند.
 - فقدان مراکز متراکم نیز عیب دیگر شهر خطی است.
- قابلیت متصور برای شهر خطی نیز یک امر غیر واقعی است زیرا امکان تغییر بدون جابجایی ، تنها می تواند در منتهی الیه دو طرف محور اصلی و یا عمود بر آن به وقوع بپیوندد که در این صورت خطی بودن آن را از بین می برد. با این ترتیب مشکل بتوان جلوی بزرگ شدن و توسعه فعالیت ها را در طول این محور که از دسترس خوبی برخوردار است ، گرفت.
- ۴ - شهر شطرنجی منظم :**



- بر خلاف شکل خطی ، نمونه های واقعی بیشماری از شهر های شطرنجی می توان یافت .

• در حالت ایده آل شکل شهر نه حدود و ثغوری نیاز دارد و نه نقاط مرکزی. هر کاربری می تواند در هر نقطه ای از شهر قرار گیرد زیرا کلیه نقاط دارای دسترسی های برابر بوده (بجز کناره های اطراف شهر) و کلیه قطعات زمین نیز همشکل می باشند.

• شهر شطرنجی بخاطر دو هدف کاملا متضاد مورد توجه قرار گرفته است: یکی بمنظور اطمینان از کنترل مرکزی و بیان کمال افسانه ای و دیگری تحقق جامعه ای که افراد آن دارای حقوق فردی برابر باشند.

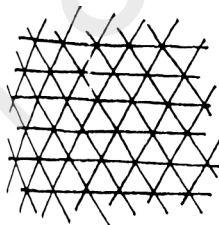
• در این الگو سلسله مراتب خیابانها را می توان رعایت نمود. خیابانهای کوچک را غیر مستقیم در نظر گرفت و کل سیستم را با عوارض روی زمین منطبق نمود.

• شکل شطرنجی از عهد عتیق تا کنون چه در شهرهای افسانه ای و جهانی (نظیر شهرهای چین و ژاپن) و چه بصورت عملی تر در بنیادهای مستعمراتی نظیر یونان، اروپای قرون وسطی و آمریکای جنوبی بکار گرفته شده است. بخشی از تاریخچه اینگونه شهرها توسط " دی. استانیلاوسکی " بازگو شده و " فردیناندو گاستاگنولی " نیز تجارب یونان و روم را در این زمینه بیان داشته است.

• از این الگو در طراحی شهر نیویورک در سال ۱۸۱۱ و نیز طراحی تازه ترین نوشهر انگلیسی که میلتن کینز نام دارد، استفاده شده است.

• بر طرح های شطرنجی اغلب این انتقاد وارد شده است که هنگامی که تمام خیابانها متکی به استانداردهای واحد باشند، منجر به اتلاف فضا می شوند و یا اینکه با بی اعتنایی به جراحی دشت و عوارض طبیعی می پردازد و بالاخره اینکه به یکنواختی بصری و فقدان نقاط مرکزی منتهی می شود.

۵ - شکل های شطرنجی دیگر :



• یکی دیگر از انواع شکل شطرنجی " شبکه راه های موازی " است که توسط " کریستوفر الکساندر " ارائه شده و سپس توسط " دانیل کارسون " مورد انتقاد قرار گرفته است.

• این الگو گرچه از نظر مفاهیم هندسی شبکه های غیر مستطیل شکل، جالب به نظر می رسد، لیکن موجب بوجود آمدن تقاطع های ناجور و قطعات اراضی نامناسب و قناس می شوند. از این نمونه بندرت در عمل استفاده شده است.

• طرح شهر " دهلی نو " مثالی از این نوع شکل می باشد.

۶ - شبکه محوری باروکی (توضیحات مربوط به این الگو پیشتر مطرح گردید.)

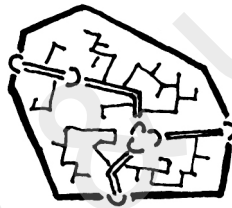
۷ - طرح مشبک (توری شکل) :



- این نام از اصطلاحی گرفته شده که توسط کریستوفر الکساندر بکار رفته و اشاره به یک نوع مجتمع زیستی کم تراکمی دارد که راه های ارتباطی آن کاملاً عریض و بخش عمده اراضی را فضاهای باز، مزارع و یا اراضی بایر تشکیل می دهد.
- طرح مشبک در حقیقت نظیر شبکه ای از مجتمع های خطی و یا شبکه شطرنجی بزرگ شده است .

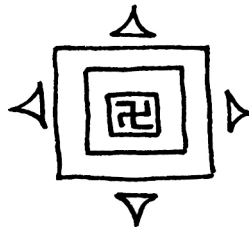
- این الگو به فضای گسترده ، حمل و نقل شخصی پیشرفته و مقداری تحول نیاز دارد. با فرض وجود این عوامل ، شکل مطلوبی برای زندگی خواهد بود .

۸ - شهر درون گرا :



- شهرهای بسته و کاملاً خصوصی دوره ی اسلامی هستند که هنوز هم در بعضی نقاط سنتی دیده می شوند. و بجز از نقطه نظر رومانتیک و جاذبیت توریستی شناخت بیشتری از آنها نداریم .
- استعاره حاکم بر این گونه شهرها خود مطروف است. به این ترتیب که هر چیز از خود شهر گرفته تا محلات ، خیابانها ، خانه ها و... همه باید محصور بوده و دارای درو دروازه باشند.
- این شهرها جاذبیت های غیر قابل انکاری را دارا می باشند، نظیر تقابل و تضاد ، آرامش و سکون از یک طرف و تحرک و هیجان شهری از طرف دیگر و همچنین کیفیت فضاهای آن . علاوه بر آن روشهایی را نیز برای زندگی در تراکم زیاد ارائه می دهند. قطعاً چنین شهرهایی توانایی برخورد با مسئله حمل و نقل موتوری را نخواهند داشت.

۹ - شهر آشیانه ای :



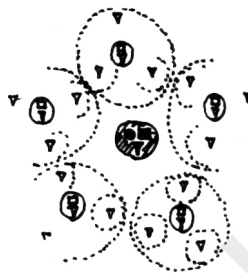
- مفهوم " جعبه آشیانه ای " که از میانی نظری برنامه ریزی هندی گرفته شده است ، یک الگوی نظری کاملاً پیشرفته است. شهر همانند الگوی چینی آن ، جنبه دفاعی و جادویی دارد.

- شهر به مشابه حلقه ای است در حلقه ی دیگر و یا جعبه ای است در جعبه دیگر. هر جعبه به یک گروه شغلی و یک پیشوای مذهبی اختصاص داده شده است .
- در این الگو مرکز مقدس ترین نقطه شهر است .
- خیابانهای مهم بر خلاف رسم معمول شعاعی نبوده بلکه محیطی است .

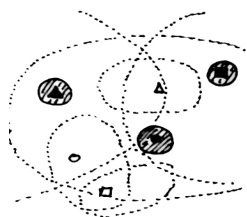
◆ **الگوهای** که ذکر شد مربوط به شکل کلی شهر بود . الگوهای دیگری نیز وجود دارد که به ترکیب و سازمان مکان های مرکزی مربوط می شوند. البته الگوهای مکان مرکزی کاملاً با الگوهای کلی شهر در ارتباطند . این

الگوها عبارتند از :

۱- الگوی مرکزی :

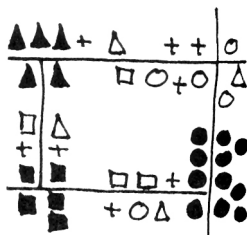


- اندیشه و فکر سلسله مراتب در شهر سازی همواره وجود داشته است . در مورد مراکز شهری ، الگوی سلسله مراتبی نیاز به وجود یک مرکز غالب دارد که کلیه فعالیت های از همه بزرگتر ، متراکم تر و تخصصی تر را بر گیرد . در فاصله هایی از این مرکز تعدادی مراکز کوچکتر قرار می گیرد که تنها بخشی از شهر را پوشانده و فعالیت های کم اهمیت تر ، کم تراکم تر و کم تخصصی تر را شامل می شود که بسیاری از فعالیت های مرکز اصلی را تغذیه می کنند. در مرحله ی بعد هر یک از مراکز فرعی به وسیله تعداد معینی مراکز فرعی تر احاطی می شوند. و ...
- " نظریه مکان مرکزی " که توسط " آگوست لوش " در جنوب آلمان پایه ریزی شد بر اساس مفهوم این الگو قرار دارد.
- این الگو امکان توزیع متناسب فعالیت هایی نظیر مراکز خرید ، زمین های بازی سازمان های سیاسی و همچنین تدارک خدمات عمومی را فراهم می آورد و حاکمیت سیاسی یا اقتصادی را نیز تقویت می کند.
- طرح ها و کتاب های " ویکتور گروئن " حامیان قدرتمند این طرز تفکرند.
- " کریستوفر الکساندر " نقدی بر این نظریه نوشته است ، تحت عنوان " شهر درخت نیست " . شهرهایی (نظیر کلمبیا در مرلند) که بر اساس این روش ساخته شده اند مؤید این امر است که گرچه این نظام دسترسی ، خدمات محلی را برای همه تامین می نماید ولی با وجود این مردم به دلایل گوناگون از مراکز مختلف استفاده می کنند و حوزه های خدماتی به گونه پیچیده ای بر یکدیگر منطبق می شوند. بدیهی است که کلیه مراکز از نظر مقیاس ، اندازه و حوزه بی خدماتی از آنچنان نظم سلسله مراتبی دقیقی پیروی نمی کنند و به خصوص یک مرکز واحد برجسته در راس همه مراکز قرار نگرفته است
- سر انجام نظریه را دیکال تری هست که توسط چند نظریه پرداز حمایت شده و آن نظریه شهرهای بدون مرکز است . در واقع با بهبود سیستم ارتباطات ، قابلیت انعطاف شهر نیز بسیار بیشتر شده و مفهوم مرکز را در شهرها از میان می برد " ملوین وبر " از این پیشنهاد جانبداری می کند.



۲- مراکز تخصصی و مراکز چند عملکردی :

- نظریه کلاسیک مراکز شهری معمولاً ایده ی تخصصی شدن را نیز در بردارد.



- دلیل تفکیک فضایی اینگونه مراکز این است که هر فعالیت بدون اینکه فعالیت های مزاحم برای آن محدودیتی ایجاد نمایند، می توانند از امکانات موجود حداکثر استفاده را نمایند. همچنین این فرض نیز وجود دارد که بعضی از فعالیت های مراکز تخصصی و چند عملکردی نسبت به سایر فعالیت ها در سطح بالاتری قرار دارند و از فعالیت های پایین تر لطمه می بینند. جدا کردن کامل فعالیت ها در مواردی که استفاده کننده خواهان مراجعه به فعالیت های متفاوت باشد، مشکلاتی را به بار خواهد آورد. به علاوه این تفکیک فعالیت ها سبب می گردد تا مناطقی در ساعاتی از روز " مرده " و مناطق دیگر را بیش از حد شلوغ نماید.

- در دیدگاه دیگری بهترین مرکز، مرکزی است که از نظر فعالیت ها کاملاً مختلط بوده و ترجیحاً از تراکم بالایی برخوردار باشد. در این حالت نیز احتمال می رود که اجرای این سیاست خود تضاد هایی را در فعالیت ها پدید آورده و حتی برخی از مزایای ناشی از تمرکز کاربری ها را خنثی نماید.

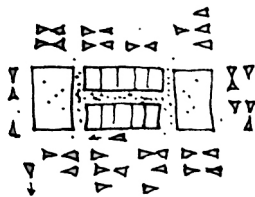
- اغلب مراکز شهری هر دو خصیصه فوق را دارا می باشند. به این ترتیب که مرکز به طور کلی از نظر کاربری های مختلط قرار می گیرد.

۳- مراکز خطی :

- بسیاری از کاربری هایی که بیش از این در مراکز شهرها دیده می شدند امروز در امتداد شاهراههای منطقه ای قرار گرفته و تشکیل " محور تجاری " داده اند که از مشخصات خاص و برجسته شهرهای آمریکایی است .
- این محورهای تجاری با وجود اینکه دارای ترافیک زیاد و متراکم و محیطی فرسوده و نامطلوب هستند، یکی از خصوصیات بسیار بارز و برجسته عرصه عمومی شهرها می باشند. این محورهای تجاری در همه جا محکوم شده اند.

۴- مراکز محله ای :

- این مراکز محل تجمع آن دسته از فعالیت های تجاری و خدماتی است که بطور روزانه یا حداقل هفتگی مورد استفاده ساکنان یک محله قرار می گیرد؛ نظیر مدرسه ، فروشگاه های مواد غذایی ، کلیسا ، قهوه خانه و ...
- مرکز محلات ، محل تجمع جامعه ای کوچک و منسجم است که تماس های اجتماعی بین همسایگان و ایجاد حس شهری و محله ای را ترغیب می نماید.



- این مدل مجموعه مشکلی است از مغازه ها در یک ساختمان واحد و طراحی شده که به وسیله پارکینگ محاصره شده است . فروشگاه ها در اطراف یک راهروی پیاده که معمولاً محصور است ، قرار گرفته اند. مرکز توسط تعداد معینی سرمایه گذار ساخته شده و شکل آن به دقت کنترل می شود.
- این مراکز در میان مناطق میانی نواحی شهری ، در نقطه ای که حداکثر دسترسی به شاهراه وجود داشته ولی از فعالیت های اطراف کاملاً جدا باشد ، ساخته می شود.

۶- مراکز متحرک :

- نظیر کتابخانه های سیار، نمایشگاه های مسافرتی ، کلینیک های بسیار... که برای تامین نیازهای آبی و اضطراری و یا برای تخصیص و توزیع خدمات محدوده بین جمعیت پراکنده استفاده می گردند.

چند نکته پراکنده :

- نخستین بار طرح یک واحد محله (واحد همسایگی) توسط "کلارنس پری" در اولین طرح منطقه ای نیویورک پیشنهاد گردید.
- " لینچ " معتقد است امروزه طراحی شهر به صورت تعدادی محله کاری عبث خواهد بود . این کار حتی می تواند به قشر بندی و گسستن روابط اجتماعی نیز کمک کند. هر شهر خوبی دارای یک بافت مداوم و بهم پیوسته است نه یک بافت سلولی . بر این اساس مردم قادر خواهند بود دوستان و خدمات خود را انتخاب نموده و محل سکونت خود را نیز آزادانه در هر کجا که مایل باشند، انتخاب کنند. هر چند این بحث در جوامع مختلف متفاوت می باشد.
- در یک جامعه ی آرمانی کاربری ها و تیپ های ساختمانی دارای بافتی درشت و افراد (بر حسب طبقه ، نژاد ، سن و ...) دارای بافتی ریز می باشند . چرا که اختلاط کاربری ها موجب بروز تضاد و ناراحتی شده ، ارزش املاک را کاهش می دهد و ...
- از طرف دیگر بافت ریز افراد از جدایی طبقاتی و نژادی (و به واسطه ی آن از تحرک اجتماعی و ارتباط) جلوگیری کرده و بی عدالتی و نابرابری را در مورد تخصیص امکانات و خدمات به حداقل می رساند.
- منظور از شخصیت بافت فضایی در کتاب همان مفهوم وجود هویت در فضاها می باشد.

